

دکتر علی هراتیان



# ظهور فاصله‌های

• دکتر علی هراتیان



# قاصدک‌های ظهور

چهل نکته مه‌دویت در موضوعات مختلف

دکتر علی هراتیان



شَرخانه

## تقدیم به:

بانوی عصمت و نور، حامل نسخه‌ی غیب، خاتم بانوان  
شایسته‌ی جهان - عروس پرافتخار حضرت زهرا علیها السلام - بانو  
«ملیکا» شاهدخت روم که شبیه مادر موسی علیه السلام بود و نامش  
زینت بخش انجیل عیسی علیه السلام ریحانه‌ای که خاتم انبیا صلوات الله علیهم  
وی را برای فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام خواستگاری  
نمود و رُوح الامین، خطبه‌ی این وصلت مبارک را جاری  
ساخت. مادر بزرگوار امام عصر علیه السلام، زکیّه، صدیقه، مرضیه،  
راضیه، ام‌القائم

## حضرت نرجس علیها السلام



## فهرست مطالب

فهرست مطالب	۵
مقدمه	۷
۱- علت خنده و گریه‌ی نوزاد	۹
۲- سال دو هزار و حوادث مهم نورانی	۹
۳- بودجه برای نبرد آخرالزمان	۱۳
۴- آمریکائی‌ها گوش به زنگ نبرد آرماگدون	۱۶
۵- آخرالزمان و ادیان آسمانی	۱۸
۶- بازتاب‌های بیرونی انتظار موعود در غرب	۱۸
۷- از عربستان تا چین و آمریکای لاتین	۲۰
۸- همه جا سخن از منجی است	۲۱
۹- موعود و فطرت‌های پاک	۲۲
۱۰- همه، مهدی <small>علیه السلام</small> را می‌شناسند	۲۳
۱۱- دعا برای ظهور در قلب آمریکا	۲۴
۱۲- مرد سوار بر اسب سفید ضرب المثل‌ها	۲۴
۱۳- موعود انجیل	۲۵
۱۴- پاسخ به جُرج جرداق	۲۶
۱۵- جوان عاشق	۳۰
۱۶- عنایت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> به عاشقان و زوّار	۳۳
۱۷- امام عصر <small>علیه السلام</small> مدار دهر	۳۴

- ۱۸ - امام عصر علیه السلام مهربان‌تر از همه ..... ۳۵
- ۱۹ - امام مهدی علیه السلام شما را دوست دارد ..... ۳۷
- ۲۰ - برکات ظهور ..... ۳۸
- ۲۱ - ستاره‌ی دنباله‌دار ..... ۳۹
- ۲۲ - افسوس بر گذشته! ..... ۴۰
- ۲۳ - ارزش خدمت به آستان مقدس صاحب‌الزمان علیه السلام ..... ۴۱
- ۲۴ - دعا برای فرج واجب است ..... ۴۱
- ۲۵ - دعا فرج را نزدیک می‌کند ..... ۴۲
- ۲۶ - زمان ظهور «بدا» پذیر است ..... ۴۲
- ۲۷ - مهدی ما مظلوم است ..... ۴۴
- ۲۸ - مظلومیت امام عصر علیه السلام در کلام مادر بزرگوار خویش ..... ۴۵
- ۲۹ - شمیم ظهور ..... ۴۶
- ۳۰ - درد فراق ..... ۴۷
- ۳۱ - میثاق با مهدی علیه السلام ..... ۴۸
- ۳۲ - قائم آل محمد علیه السلام ..... ۴۹
- ۳۳ - پاداش منتظران واقعی ..... ۵۰
- ۳۴ - غم شیعه‌ها امام زمان علیه السلام را آزار می‌دهد ..... ۵۱
- ۳۵ - از سیاحت غرب ..... ۵۱
- ۳۶ - هر عصری امام واجب‌الاطاعة و زنده دارد ..... ۵۶
- ۳۷ - امام زمان ۷ «سبیل‌الله» و صراط مستقیم خداوند ..... ۵۶
- ۳۸ - آبادگر زمین ..... ۵۹
- ۳۹ - اهمیت ولایت امام عصر علیه السلام ..... ۶۰
- ۴۰ - در مکتب دعا ..... ۶۲



### مقدمه

حضرت مهدی علیه السلام حجت زنده‌ی خدا، روح زندگی، چشمه‌ی حیات و کشتی نجات انسان‌ها در زمانه‌ی ماست. فرد فرد آدمیان و «هر آنچه جز خدای تعالی است» هم اکنون وجود خویش را مدیون ولیّ الله الأعظم ارواحن‌فداه هستند و زمین و زمان، قرار خویش را وام‌دار نگاه مهربان اوست. شب‌ها و روزها می‌گذرند، سال‌ها از پی یک‌دیگر می‌آیند، عمرها به پایان می‌رسد، نسل‌ها و قرن‌ها یکی پس از دیگری می‌آیند و می‌روند و جماعت انسان‌ها در غفلتی سخت کشنده از این چشمه‌ی حیات که شناخت او و حرکت در مسیر محبت و معرفتش، تنها راه وصول به سعادت مطلق است، روزگار می‌گذرانند و همین غفلت و بی‌توجهی نسبت به این «بزرگ‌ترین نعمت الهی» سرمنشأ تمام ظلم‌ها، گرفتاری‌ها، نابسامانی‌ها و مشکلات فرا روی جامعه‌ی بشری است و بی‌تردید هر حرکت و اقدام خالصانه‌ای برای طرح این مسئله و متوجه ساختن مردم به این امر حیاتی، مورد رضایت خداوند تعالی و امام عصر ارواحن‌فداه است.

و اما انگیزه تألیف این کتاب:

هر کس که نوشته یا کتابی را مطالعه می‌کند بنا به ذوق، سلیقه و فضای روحی و فکری خویش، بخش‌هایی از آن را بیش‌تر می‌پسندد. این جانب نیز در مطالعه‌ی کتاب‌هایی که در ارتباط با امام عصر علیه السلام به رشته‌ی تحریر در آمده است به نکات زیبایی برخورد می‌نمودم که برایم جالب و قابل توجه بود.

مترصد فرصتی بودم تا آن‌ها را به چاپ برسانم. به لطف خداوند و عنایت حضرت ولیّ عصر علیه السلام اینک امکان انتشار بخشی از آن‌ها فراهم آمده است. برای آن‌که سلايق مختلف در نظر گرفته شده باشد در این مجموعه نیایش، ستایش، حکایت، روایت، قطعه‌ی ادبی و... را در کنار یک‌دیگر آورده‌ایم. به امید جلب گوشه‌چشمی از آن خسرو خوبان.

۱۳ رجب ۱۴۲۶

دکتر علی هراتیان



## ۱ - علت خنده و گریه‌ی نوزاد

مفضل می‌گوید از امام صادق علیه السلام درباره‌ی نوزادی پرسیدم که بدون وجود موضوع تعجب‌آوری می‌خندد و یا بدون ناراحتی و درد گریه می‌نماید آن حضرت فرمودند:

ای مفضل! هیچ نوزادی نیست مگر این‌که امام زمانش را زیارت می‌کند و با او راز و نیاز و گفت‌وگو می‌نماید. گریه‌ی نوزاد برای دوری و غیبت آن حضرت است و خنده‌اش هنگامی است که آن حضرت به طرفش می‌آید و این سعادت تا زمانی است که نوزاد زبان سخن گفتن نداشته باشد و زمانی که بتواند سخن بگوید این در رحمت بر او بسته می‌شود و مهر فراموشی بر دل و جان کودک زده می‌شود<sup>(۱)</sup>

## ۲ - سال دو هزار و حوادث مهم نورانی

در سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۲۵ که متنتین در ایران بودند به خاطر می‌رسد که یا اواخر سال ۱۳۲۲ بود و یا اوایل سال ۱۳۲۳ که در تهران شایع شد پیغمبری ظاهر شده و اخبار عجیبی دارد و نقل همه‌ی مجالس همین خبر بود. من که ۱۹ سال بیش‌تر نداشتم با یکی از رفقایم که خیلی صمیمی و هم‌کلاس بودیم مصمم شدیم برای دیدن این فرد که در

شمیران بود برویم. روز جمعه بود با رفیقم حرکت کردیم و به شمیران رسیدیم. پُرسان پُرسان رفتیم و محلّ او را که در باغ بزرگی بود پیدا کردیم؛ امّا اطراف خیابان‌ها پُر بود از ماشین‌های سواری آخرین سیستم که همه‌ی اشخاص از مرد و زن برای دیدن این شخص آمده بودند. وارد باغی شدیم که در آن اتاق‌هایی بود که مردم به انتظار نشسته بودند. وارد اتاقی شدیم، دیدم زن‌های بی‌حجاب و سربرهنه با وضعی ناجور نشسته‌اند. جا نبود و ما هم خجالت می‌کشیدیم.

به رفیقم گفتم برگرد ما نخواستیم او را ببینیم.

خواستیم برگردیم. از اتاق بیرون آمدیم و به سمت درب خروجی حرکت کردیم ناگاه پیرمردی که لهجۀ محصوصی داشت به سمت ما آمد و گفت آقای... (نام مرا برد) کدام یک از شما هستید؟ گفتم من. گفت خانم شما را می‌خواهد. گفتم خانم کیست؟ گفت همان کس که این همه جمعیت به خاطر او در این‌جا جمع شده‌اند. فهمیدم آن کس را که می‌گویند پیامبر است یک زن است. رفیقم گفت من هم با ایشان هستم. پیرمرد پاسخ داد فقط ایشان را خواستند شما بفرمایید. خلاصه پیرمرد مرا به داخل ساختمان و اتاق محصوصی برد. خانمی آمد با حجاب کامل، حتی دست‌کش به دست داشت و معلوم بود که مسنّ است و با فارسی ناقص و سر و دست شکسته سلام کرد و مرا به اتاق دیگری برد که آن طرف سالنی بود که جمعیت زیادی آن‌جا جمع بودند.

خانم گفت شما از ماشین که پیاده شدید دو نفر بودید و رفیق تو هم به این اسم است. گفتم آری. گفت نور شما را دیدم و وقتی که از افرادی جویای من شدید و آن‌ها شما را به طرف باغ راهنمایی کردند و شما وارد

اتاق شدید و زن‌های سربرهنه را دیدید و شرم کردید، تو به رفیقت گفتی بیا برویم که من فرستادم و شما را آوردند. اما من کیستم؟  
 نام من فلان و نژادم انگلیسی است. پدرم در سن ده سالگی من، از دنیا رفت. مادرم مرا در کلیسای مجهز مسیحی برد و مرا به دست راهبه‌های بزرگ سپرد. تا سن بیست و هفت سالگی تعلیم دین مسیح دیدم. خانم معلّمی داشتم که با من خیلی مأنوس بود. به من گفت می‌خواهم به هندوستان بروم. گفتم اگر ممکن است مرا هم با خود ببرید. قبول کرد و با هم به سرزمین عجایب رفتیم. مدّت چهل سال آن‌جا بودم و مرتاضین زیادی دیدم.

من در این مدّت تمامی ادیان را بررسی کردم و دینی بهتر از اسلام و مکتبی پربارتر از تشیع ندیدم و من حالا شیعه‌ی علوی هستم. آن زن معلّم که با من بود فوت کرد ولی وصیّت کرد که مرا در قبرستان مسلمانان دفن کن. پرسیدم شما چه طور تابه حال به من نگفتید که مسلمان هستید؟  
 گفت می‌خواستم خودت تحقیق کنی و حقیقت را پیدا کنی.

از هندوستان به مکه رفتم و پنج سال آن‌جا ماندم و از معنویّات خوبی بهره‌مند شدم. بعد از آن به کربلا رفتم. از سال ۱۳۱۵ تا سه سال قبل در کربلا بودم و الآن در ایران هستم. مردم این‌جا مرا پیغمبر خوانده و توقّعات عجیب از من دارند. من هم هرکسی را که اهلیّت داشته باشد جواب می‌دهم و بقیّه می‌مانند تا خسته می‌شوند و بر می‌گردند. از عجایب این که گفتم من هفتاد سال است حیوانی نخورده‌ام و خوراکم غالباً میوه و بادام و فندق و غیر حیوانی است. تمام نیروهای بدنم هست و حتّی سوی چشمم هم مثل جوانی است و شوهر هم نکرده‌ام. همچنین

گفت من به خاطر ریاضت‌ها و برنامه‌های معنوی که داشتم حالت عجیبی دارم و هرکجا امام زمان علیه السلام با یارانش بروند در هر نقطه‌ی زمین که باشند نورشان را می‌بینم. من در ذهنم گذشت خوب است پرسم آیا از آمدن امام زمان علیه السلام می‌داند که حضرت چه وقت می‌آید؟ آن خانم فوراً ذهن من را خواند و گفت نمی‌دانم کی می‌آید و این مطلب بزرگی است؛ اما یک خبر دارم. گفتم چیست؟

گفت من تا سال ۲۰۰۰ میلادی را تاریک می‌بینم و هر حادثه‌ای ظلمانی است؛ اما از سال ۲۰۰۰ حوادث نورانی پیش می‌آید که شاید آن چه را شما در نیت داری در سال دوهزار به آن نزدیک شوی. من خیلی ناراحت شدم چون در آن زمان خیال می‌کردم که آقا به همین زودی‌ها می‌آید و وقتی از سال دوهزار خبر داد خیلی ناراحت شدم. سپس به من مطالبی گفت که آن چه را می‌توانم بگویم دو موضوع است:

اول این که قدر خودت را بدان که نوری دور تا دور تو را احاطه کرده که متصل به نور امامت و ولایت است.

دوم این که چند سال دیگر به دست تو در شهری که اهل دین و ایمان بوده و اهل علم زیادی دارد عملی انجام می‌گیرد که باعث حیرت زمینیان و اهل آسمان می‌شود و جز تو کسی این کار را انجام نمی‌دهد و این که مطالب دیگری نیز گفت که واقع شده و از گفتن تمام آن‌ها معذورم. نویسنده‌ی این مطالب می‌گوید امیدوارم از سال ۲۰۰۰ میلادی به بعد حوادث جهان به نفع شیعه باشد و فرج امام زمان علیه السلام نزدیک گردد و



ما لیاقت زیارت جمال دل‌ربایش را داشته باشیم.<sup>(۱)</sup>

### ۳- بودجه برای نبرد آخرالزمان

نگاه موشکافانه به پیشنهاد بودجه‌ی سال ۱۳۸۵ آمریکا نشان می‌دهد که «جرج بوش» رئیس جمهوری ایالات متّحده می‌خواهد ۵۰۰ میلیارد دلار به طرح «آرماگدون» و سایر فعالیت‌های مربوطه اختصاص دهد. آرماگدون، محلی در فلسطین اشغالی است که بر اساس اعتقاد مسیحیان و به روایت انجیل، محلّ نزاع تمامی نیروهای خیر و شرّ در آخرالزمان است. بوش این نام را برای برنامه‌های هسته‌ای و فضایی خود انتخاب کرده است. به گزارش یک پایگاه اینترنتی در حالی که جلوگیری از هزینه‌های اضافی، سیاست اقتصادی بوش اعلام شده احتمالاً رئیس جمهور آمریکا مشغول واریز میلیون‌ها دلار از بودجه برنامه‌های تأمین اجتماعی و پزشکی به حسابی است که تمرکز اصلی آن «برنامه نابود سازی عالم و تسریع روند آخرالزمان» است.

بوش در جلسه‌ی بررسی اصلاحات قضایی گفت: این بودجه اندک و مؤثر می‌باشد و ما آن را صرف برنامه‌های کاربردی خواهیم کرد. ... (در پاسخ برخی منتقدان) بوش در حمایت از ادّعای خود مبنی بر این‌که این بودجه از زمان «ریگان» تاکنون کم هزینه‌ترین بودجه در خرج‌های اضافی است، گفت: در راه حذف هزینه‌های اضافی، ۱۵۰ برنامه‌ی ائتلافی مدّ نظر است که در میان آن‌ها مزایای بازنشستگی تمام یگان‌های نظامی،

بودجه بزرگ‌راه‌ها، کمک‌های مالی به مزارع و برنامه‌های غذایی به چشم می‌خورد. بوش افزود: پس از نجات و صعود به آسمان، کمک مالی به چه درد می‌خورد؟ بوش ادعا می‌کند شخصاً در رابطه با جزئیات بودجه‌ی سال ۱۳۸۵ با خدا مشورت کرده و به مردم اطمینان می‌دهد که این برنامه عاری از هرگونه خطا است. «کیم یونگ» از کره‌ی شمالی با تحسین تصمیم بوش در زمینه کشیدن جهان به نبرد هسته‌ای رسماً بیان کرد بوش احمقی است که ما می‌توانیم با او کنار بیاییم.<sup>(۱)</sup>

در حال حاضر سه گرایش معتقد به جنگ در جهان وجود دارد:

۱ - یهودی‌های غیر صهیونیست که می‌گویند آئین مسیح (مسیحیت فعلی) را نه حضرت مسیح علیه السلام که «یسوع ناصری» بنیان نهاده است و خود را منتظران مسیح واقعی یا ماشیح می‌دانند که ما به فارسی مسیحا ترجمه می‌کنیم. آنان معتقدند مسیح در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و پیش از آن جنگی به نام آرماگدون شکل می‌گیرد. در این نبرد که بزرگ‌ترین جنگ تاریخ بشر است همه کشته خواهند شد به جز آن گروه «نجات یافتگان» که با کشتی فضایی به همراه حضرت مسیح علیه السلام به آسمان برده می‌شوند و ناظر این جنگ هستند. آنان پس از جنگ برخوانند گشت و حکومت زمین را بر عهده خواهند گرفت. به اعتقاد این گروه، حکومت از آن بنی اسرائیل است که همان قوم نجات یافته می‌باشند.

۲ - صهیونیست‌ها. آنها می‌گویند قوم یهود قوم برتر است که در آخرالزمان به حکومت خواهند رسید. آنها نیز به موضوع آرماگدون

دامن می‌زنند و معتقدند باید زمینه‌های وقوع این جنگ را به دست خویش فراهم آورند.

۳ - برخی مسیحی‌ها که به نام صهیونیزم مسیحی معروف شده‌اند. آن‌ها مسیحیت را قبول دارند ولی معتقدند حضرت مسیح علیه السلام بار دیگر برخواهد گشت. آن‌ها نیز می‌گویند باید اسرائیل به قدرت برسد و کشور اسرائیل ایجاد شود؛ چرا که این حادثه کلید حوادث آخرالزمان و به منزله‌ی شمارش معکوس برای بازگشت مجدد حضرت مسیح علیه السلام است. این گروه معتقدند باید مسجد الاقصی تخریب و به جای آن معبد سلیمان بنا شود. در روایات اسلامی مربوط به ظهور سخنی از تخریب مسجد الاقصی به میان نیامده است ولی به «کشف الهیکل» اشاره شده است. البته آن چیزی که امروزه نماد مسجد الاقصی در ذهن ماست مسجد مقدّس نیست؛ بلکه قبه الصخره است.

تدارک این جنگ بزرگ، نمایان‌گر تلاش پی‌گیر صهیونیست‌ها برای تبلیغ جنگ و انجام چنان رسالتی است. دستاویز آن‌ها در این باره، پیشگویی‌هایی از پیامبران بنی اسرائیل است که حاکی از وقوع «جنگی بزرگ در زمانی نزدیک» می‌باشد.

در مقدمه‌ی کتاب «تدارک جنگ بزرگ» آمده است:

این پیش‌گویی‌های حیرت‌انگیز، زمان و مکان این رویارویی بزرگ و طرف‌های آن را به روشنی مشخص کرده و نقشی برجسته را نیز به ایران اختصاص داده است... محتوای شگفت این کتاب که با شیوه‌ای روان و جذاب به نگارش در آمده است به روشنی نشان می‌دهد که توطئه‌ای بزرگ در کار است و عده‌ای سلطه‌گر و ماجراجوی صهیونیست، به بهانه‌ی وجود پیش‌گویی‌هایی درباره‌ی رویارویی با مسلمانان، با

همکاری مسیحیان افراطی دست راستی، در تدارک جنگی سهمگین با کشورهای اسلامی هستند. گرچه در این کتاب، دولت آمریکا و در رأس آن سیاست مدارانی همچون ریگان (و امروزه بوش) از حزب جمهوری خواه از حامیان اصلی این توطئه محسوب می‌گردند اما متأسفانه پوشش فریب‌کارانه، از قبیل حمایت‌های ظاهری از مسلمانان، ایجاد پارلمان برای آن‌ها، برگزاری انواع کنفرانس‌های اسلامی در لندن و... دست‌های پلید کهنه‌کاران سیاست انگلیس را در این توطئه از دید تحلیل‌گران سطحی پنهان ساخته است در حالی که اندکی تأمل در فعالیت سازمان جاسوسی اینتلیجنت سرویس، نفوذ دیرین و عمیق آن در کشورهای اسلامی و بالأخره نقش آن در پیدایش انواع جریان‌های تندروی مذهبی و تروریستی در منطقه، و تأثیر تعیین‌کننده‌ای که این جریانات در روابط کشورهای اسلامی با دولت‌های رقیب انگلیس در عرصه‌ی جهانی ایجاد می‌کنند و از این طریق منافع انگلیس تأمین انگلیسی‌های صهیونیست و با صهیونیست‌های انگلیسی بود.<sup>(۱)</sup>

#### ۴- آمریکائی‌ها گوش به زنگ نبرد آرماگدون

یک بررسی انجام گرفته از سوی مؤسسه «تلسن» که در اکتبر سال ۱۹۸۵ میلادی نشر یافته است نشان می‌دهد که در حال حاضر ۶۱ میلیون آمریکایی در انتظار واقعه‌ی آرماگدون گوش خوابانیده‌اند...

---

۱- تدارک جنگ بزرگ براساس پیش‌گویی‌های انبیای بنی‌اسرائیل، گریس هال بیل، ترجمه‌ی خسرو اسدی، مقدمه.



مؤسسات دینی آمریکایی این نکته را روشن ساخته‌اند که سپاهی از عراق به سوی قدس رهسپار خواهد شد اما نیروهای مؤمن به مسیح راه آن‌ها را سد کرده و همگی در آرماگدون با یک‌دیگر برخورد خواهند کرد و البته این حادثه در روایات ما به «قرقیسیا» اطلاق شده است و پژوهشگران این ضد مسیح را سنیانی نامیده‌اند که از این نبرد پیروز بیرون می‌آید و امام عصر علیه السلام پس از حادثه‌ی قرقیسیا با سنیانی برخورد خواهد کرد... مدارس انجیلی در آمریکا بر پایه‌ی این تحلیل که واقعه آرماگدون، تنها حادثه‌ای است که بازگشت دوباره‌ی مسیح را به زمین ممکن می‌سازد و این واقعه‌ای بسیار نزدیک است به تبلیغ این دیدگاه پرداخته‌اند... بزرگ‌ترین فعالیت تبلیغاتی که مستقیماً مربوط به اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌شود و توسط دشمنان، در این رابطه انجام گرفته فیلم «پیشگویی‌های نوستر آداموس» است که به مدت سه ماه متوالی در شبکه‌های تلویزیونی آمریکا به نمایش گذاشته شد... پیدایش گروه‌هایی همچون فرقه «مورمون» از ایالت آریزونا و یوتا در کلرادوسیتی آمریکا که کودکان خود را از مدارس دولتی بیرون کشیده و ارتباط خود را با دنیای خارج قطع می‌کنند و رهبر آن‌ها ظهور دوباره‌ی حضرت مسیح را در آینده‌ی نزدیک پیش بینی کرده است... مراجعه‌ی عده‌ای از محققین و دانشمندان خارجی به قم و جمع آوری تمام کتاب‌ها و مطالب روایی راجع به ظهور... همه و همه نشان‌گر گرم بودن بازار مباحث آخرالزمان در غرب می‌باشد. (۱)

## ۵- آخر الزمان و ادیان آسمانی

اخباری از منابع مسیحیان، دلالت بر حکومت آسمانی بعد از سال ۲۰۰۰ میلادی در جهان دارند. اخباری از منابع یهودیان دلالت بر قریب الوقوع بودن ظهور بعضی از انبیای بنی اسرائیل همچون حضرت عیسی علیه السلام، خضر علیه السلام و الیاس علیه السلام دارند.

اکثر تمدن‌ها معتقدند که در سال‌های پایانی هر هزاره، یک سری تحولات رخ می‌دهد. در سال ۲۰۰۰، شصت و یک فرقه منتظر ظهور عیسی مسیح علیه السلام بودند. یهودی‌ها در دروازه‌ی شرقی بیت المقدس دوربین گذاشته بودند که اگر حضرت عیسی مسیح علیه السلام نزول اجلال کند فیلم برداری کنند.<sup>(۱)</sup>

## ۶- بازتاب‌های بیرونی انتظار موعود در غرب

عقیده‌ی انتظار موعود، بازتاب‌های بیرونی آشکاری در غرب دارد. در زیر به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

شاهدان عینی در آمریکا، ناظر بوده و هستند که بعضی مسیحیان، اعانه جمع می‌نمایند و می‌گویند: «مسیح علیه السلام در معبد سلیمان (مسجد الاقصی) ظهور خواهد کرد.»

چند سال قبل، در «سئول» بنابر پیش‌گوئی‌ها عده‌ی زیادی از منتظران، معتقد بودند که در روزی خاص و ساعتی خاص، مسیح علیه السلام ظهور خواهد کرد؛ اما چنین نشد و عده‌ای خودکشی کردند.

عده‌ای معتقد بودند که در سال (۱۹۹۸) میلادی ستاره‌ی دنباله دار «هالی» فرود خواهد آمد و آن لحظه، زمان ظهور بوده و عده‌ای با آن به بهشت خواهند رفت. این جریان نیز با خودکشی عده‌ای پایان یافت.

از طرفی، پیش‌بینی‌های «نوستر آداموس»<sup>(۱)</sup> چیزی را به تصویر می‌کشد که با عقیده‌ی امام زمان علیه السلام در اسلام هماهنگ است. البته وی چهره‌ی خصمانه‌ای از مقابله‌ی امام علیه السلام با غرب نشان می‌دهد.

مسأله‌ی «فاطمیما» که در دایرة المعارف «World. Book» و «بریتانیکا» مذکور است، خود از نشانه‌های گرایش و امید به نجات دهنده‌ای است که پاسخ‌گو نیز هست و اکنون شهرک «فاطمیما» با همه‌ی بهانه‌تراشی‌های واتیکان، زائران مسیحی بیشتری از واتیکان - قطب عالم مسیحیت در

---

۱- فیلم پیش‌گویی‌های نوستر آداموس در هالیوود ساخته شد و به مدت سه ماه از تمام شبکه‌های تلویزیونی آمریکا پخش شد. در این فیلم از امام زمان علیه السلام به عنوان King Of Terror «پادشاه بزرگ وحشت» یاد می‌شود. غربی‌ها در مورد پیش‌گویی‌های نوستر آداموس صدها اثر اعم از فیلم، نمایش‌نامه، آهنگ، داستان و... ساخته‌اند. گذشته از این هالیوود که بزرگ‌ترین کمپانی فیلم‌سازی در جهان و ابزار سیطره‌ی غرب بر افکار عمومی مسلت‌ها و نماینده‌ی تمدن غرب می‌باشد تا کنون ده‌ها اثر سینمایی راجع به آخرالزمان تولید و عرضه نموده است.

دنیا - دارد. (۱)

## ۷- از عربستان تا چین و آمریکای لاتین

برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که مأموران امنیتی عربستان سعودی کاملاً مراقب اوضاع شهر مکه‌اند تا در صورت قیام امام مهدی علیه السلام و یارانش با آن برخورد و مقابله کنند. آن چنان که در سال‌های اخیر دوربین‌های تلویزیونی متحرکی در بخش‌های مختلف مسجدالحرام کار گذاشته‌اند و در این میان یک دوربین ثابت نیز به طور شبانه روزی، محل رکن و مقام را که امام عصر علیه السلام از آن جا قیام می‌کند و پیام خویش را به گوش جهانیان می‌رساند زیر نظر دارد. (۲)

یکی از سادات بزرگوار که روحانی کاروان حج می‌باشد می‌گوید:  
در خانه‌ی خدا نشسته بودم. یکی از شرطه‌های عرب (که انتظامات و نگهبانی مسجدالحرام را بر عهده داشته و اغلب سنی و هابی می‌باشند) نزد من آمد و گفت: مهدی شما کیست؟ پرسیدم چه طور؟ گفت: مدتی است اهل مکه در عالم خواب یک آقای نورانی را می‌بینند که به دیوار کعبه تکیه داده و می‌گوید: من مهدی هستم... من بقیة الله هستم... و این خواب، برای برخی از اهل مکه اتفاق افتاده است و من نیز دو شب پیش، چنین خوابی دیدم. من شروع به توصیف حضرت بقیة الله علیه السلام کردم و

۱- مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات: ۸۶.

۲- جهان در آستانه ظهور، سلیمان مدنی تنکابنی، ص ۹۷.



روایاتی را که از رسول خدا ﷺ راجع به آن حضرت و کیفیت ظهور ایشان نقل شده (و در کتاب‌های اهل سنت نیز به حدّ تواتر وجود دارد) برایش نقل کردم. دیدم این عرب سنی مثل ابر بهاری اشک می‌ریزد و گریه می‌کند. (۱)

«مایاها» اقوام بومی آمریکای لاتین و کشور پرو هستند. بر اساس اعتقادات و تقویم آنان، ۲۱ دسامبر سال ۲۰۱۲ میلادی، پایان جهان و تاریخ معاصر است. جالب‌تر آن‌که تقویم «آیچینگ» که متعلق به چین باستان است نیز سال ۲۰۱۲ را به عنوان پایان جهان معاصر قلمداد کرده است. هر چند نمی‌توان مطالب و تحلیل‌های این دو نوع تقویم را کاملاً تأیید کرد ولی به عنوان پیش‌بینی‌هایی که در سطح جهان مطرح می‌باشند قابل توجه است. (۲)

## ۸- همه جا سخن از منجی است

عبد الحمید المهاجر نویسنده لبنانی در کتاب خویش که به عنوان «پیرامون ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه» ترجمه شده است از قول یک تاجر کویتی در مورد مشاهدات خویش در آلمان غربی می‌نویسد:

«...ساعت ده شب در خیابان عمومی همراه جمعی از دوستان راه

۱- این اتفاق در سال ۱۳۸۴ شمسی در مسجدالحرام روی داده است و آقای احمدی اصفهانی از گویندگان مذهبی قم بر فراز منبر نقل کرده است.

۲- برای اطلاعات بیشتر به این سایت مراجعه کنید: [WWW.Survive.2012.com](http://WWW.Survive.2012.com)

می‌رفتم... مجموعه‌ای از جوانان را دیدم که طبل می‌زدند و آواز خاصی را تکرار می‌کردند. در وسط میدان عمومی جمع شده سر خود را به شکل غریبی تراشیده بودند به صورتی که یک دسته مو در وسط سر گذاشته و آن را بسته بودند و لباس‌هایی با رنگ زننده به خود پوشانده، طبل می‌زدند و با صدای بلند سرودهایی را می‌خواندند و بیش‌تر این جمله را تکرار می‌کردند «ای رهبر منتظر بیا و ما را از عذاب نجات ده» و هنگامی که سخن آن‌ها را فهمیدم از مردم اطراف پرسیدم اینان چه کسانی هستند؟ گفتند: این‌ها طایفه‌ی بزرگی در آلمان غربی و ایالات متحده آمریکا هستند که به نام طایفه‌ی «رهایی» معروفند و منتظر مرد مصلحی هستند که در آخرالزمان ظهور می‌کند تا فساد و ظلم را از زمین پاک نماید. هنگامی که از مردم پرسیدم این مصلح کیست؟ جواب دادند که: آن‌ها از معرفی اسم او به مردم خودداری کرده و فقط به تحریک و تذکر دادن مردم کفایت می‌کنند».<sup>(۱)</sup>

## ۹- موعود و فطرت‌های پاک

مردم مغرب زمین، آن‌ها که مذهبی و مسیحی‌اند به موعود معتقدند و علی‌رغم همهٔ بمباران‌هایی که علیه فطرت آنان اعمال شده- هر چند یک قشر اقلیت در غرب، در آمریکا و اروپا هستند، ولی هنوز لطافت باطنی خود را حفظ کرده‌اند.

من به یاد می‌آورم که با بعضی دوستان در واشنگتن برای دیدار از کلیسایی که بسیار بزرگ و قدیمی بود و تقریباً حالت موزه داشت و شامل هفت کلیسای تو در تو بود، رفتیم. در سالن کلیسا یک دختر خانم دانشجوی آمریکایی را دیدم که ایستاده نی می‌زند و اشک می‌ریزد. ما رفتیم و ساعتی بعد که برگشتیم این دختر خانم را دیدم که هم چنان ایستاده و نی می‌زند. صبح یکشنبه بود. جلو رفتیم و از او پرسیدیم که تو را چه می‌شود؟ گفت: نذر کرده که در انتظار موعود و به عشق او هر صبح یک‌شنبه تا زنده است بر در کلیسا نی بزند.<sup>(۱)</sup>

#### ۱۰ - همه، مهدی علیه السلام را می‌شناسند

سرخ پوستان سه قبیله از قبایل داکوتای شمالی و منطقه‌ی قطب در هنگام نیاز و نیز گم کردن راه در بین یخ‌های قطبی و جنگل از فردی به نام «مهدی» کمک می‌طلبند که تا این اواخر از ارتباط این نام با اسلام و یا اصولاً از مکتب اسلام نیز اطلاعاتی نداشتند. پس از اطلاع از این موضوع، تعدادی از دانشجویان سرخ پوست به اسلام گرویدند. توضیح خبرنامه: زبان شناسان و محققان زبان‌های بومی آمریکای شمالی کشف کرده‌اند که ریشه «مهد» و «مهدی» در زبان‌های بومی در کشورهای شمالی و جنوبی آمریکا از جنبه‌ی بسیار مذهبی و اسرارآمیزی برخوردار است.<sup>(۲)</sup>

۱- مهدی علیه السلام ده انقلاب در یک انقلاب. ۲- صبح امید، صدرالدین هاشمی دانا: ۱۲۶.

## ۱۱ - دعا برای ظهور در قلب آمریکا

چند سال قبل که در شهر فینیکس آمریکا تدریس می‌کردم در جلسات عرفانی و معنوی متعددی شرکت می‌نمودم. یکی از این جلسات در شب‌های بدر یعنی در نیمه‌ی ماه‌های قمری که ماه، بالاترین درجه تابش خود را دارد تشکیل می‌شد. در این جلسات قبل از شروع برنامه‌ی مراقبه و نیایش، دعایی بود که همه با هم می‌خواندند و در آن از خداوند تقاضا می‌کردند که در ظهور حضرت امام مهدی علیه السلام تعجیل فرماید.

شرکت کنندگان در این جلسات که اکثراً مسیحی و آمریکایی بودند برای برقراری صلح و آرامش جهانی دعا می‌کردند و امیدوار بودند که روزی حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند و صلح و آرامش را در جهان برقرار نماید. بعدها از صحبت با بسیاری از افراد حاضر در جلسه پی بردم که چنین دعایی (که در شهر نیویورک چاپ و در تمام آمریکا توزیع شده بود) در محافل و جلسات مختلفی خوانده می‌شود...<sup>(۱)</sup>

## ۱۲ - مرد سوار بر اسب سفید ضرب المثل‌ها

آلین تافلر روزنامه‌نگار آمریکایی و از مشاورین مهم سیاستمداران آمریکا می‌گوید:

فهرست مشکلاتی که جامعه‌ی ما (غرب) با آن مواجه است تمامی ندارد. با دیدن فروپاشی پیاپی نهادهای یک تمدن صنعتی در حال نزع،

۱ - مهدی علیه السلام امام حاضر، ص ۱۱۹، دکتر مهدی بهادری نژاد.



به درون غرقاب بی‌کنایتی و فساد، بوی انحطاط اخلاقی آن نیز مشام را می‌آزارد. در نتیجه موج ناخشنودی و فشار برای تغییرات، فضا را انباشته است. در پاسخ به این فشارها هزاران طرح ارائه می‌شود که همگی مدّعی‌اند، اساسی و بنیادین یا حتی انقلابی هستند؛ اما بارها و بارها مقرّرات، قوانین، طرح‌ها و دستورالعمل‌های جدیدی که همگی به منظور حلّ مشکلات ما تهیّه و تدوین شده‌اند، کمانه می‌کنند و بر وخامت مشکلات ما می‌افزایند و این احساس عجز و یأس را دامن می‌زنند که هیچ فایده‌ای ندارد و مؤثر نیست. این احساس برای هر نظام دموکراسی خطرناک است و نیاز شدید به وجود «مرد سوار بر اسب سفید ضرب المثل‌ها» را هر چه بیش‌تر دامن می‌زند.<sup>(۱)</sup>

### ۱۳ - موعود انجیل

بیش‌تر نویدهای انجیل به تعبیر «پسر انسان» است که این تعبیر طبق نوشته‌ی مسترهاکس آمریکایی، بیش از هشتادبار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) تکرار شده که فقط سی مورد آن با حضرت عیسی علیه السلام قابل تطبیق است<sup>(۲)</sup> و پنجاه مورد دیگر آن از نجات‌دهنده‌ای سخن می‌گوید که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد. عیسی علیه السلام نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد داد و اینک چند نمونه از متن اناجیل:

«هم‌چنان‌که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود ظهور

۱- مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات، عزیزالله حیدری، ص ۸۴ به نقل از به سوی تمدن جدید،

آلویین وهایدی تافلر، مترجم رضا جعفری، ص ۹۷ و ۹۶.

۲- قاموس مقدّس: ۲۱۹، «پسر خواهر» به نقل از کتاب یاد مهدی علیه السلام.

پسر انسان نیز چنین خواهد شد... آن‌گاه علامت پسر انسان در آسمان پدیدار گردد و در آن وقت، جمیع طوایف زمین سینه‌زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال می‌آید... اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه‌ی آسمان. لهذا شما نیز حاضر باشید زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید.»<sup>(۱)</sup>

«در آن وقت، فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تابه اقصای فلک فراهم خواهد آورد... ولی از آن روز و ساعت، غیر پدر هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس بر حذر باشید و برایش دعا کنید؛ زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود.»<sup>(۲)</sup>

«کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را افروخته بدارید... خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید.»<sup>(۳)</sup>

## ۱۴ - پاسخ به جرج جرداق

ما به مناسبت تولد حضرت علی علیه السلام در تهران جشنی داشتیم و در پشت کارت دعوتی که برای این جشن چاپ کرده بودیم این جمله‌ی زیبا را که جرج جرداق مسیحی درباره‌ی حضرت علی علیه السلام گفته است نوشته

- 
- ۱- انجیل متی، فصل ۲۴، جمله‌های ۲۷، ۳۰، ۳۵، ۳۷، ۴۵ به نقل از کتاب یاد مهدی علیه السلام.
  - ۲- انجیل مرقس، فصل ۱۳، جمله‌های ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۳ به نقل از یاد مهدی علیه السلام.
  - ۳- انجیل لوقا، جمله‌های ۳۵، ۳۶ به نقل از کتاب یاد مهدی علیه السلام تألیف مرحوم محمد خادمی شیرازی.

بودیم

... «فَمَاذَا عَلَيْكَ يَا دُنْيَا لَوْ حَشَدْتِ قُورَاكِ فَأَعْطَيْتِ فِي كُلِّ زَمَنٍ عَلِيًّا بِفِكْرِهِ وَ قَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ ذِي قِقَارِهِ...»؟ یعنی ای دنیا تو را چه می‌شد که در هر زمان نیروهای خودت را جمع می‌کردی و به ما یک علی علیه السلام تحویل می‌دادی، با همان فکر علی علیه السلام، قلب علی علیه السلام، ذوالفقار علی علیه السلام، کمالات علی علیه السلام؟! شرکت‌کنندگان در این جلسه هم بیش‌تر از دختران دانش‌آموز بودند. وقتی (به عنوان سخنران) وارد شدم، یکی از دختر خانم‌ها گفت من سؤالی دارم و من از او خواستم سؤالش را مطرح کند. دختر خانم گفت: جمله‌ای که جُرج جرداق درباره‌ی حضرت علی علیه السلام گفته است جوابش چیست؟! گفتم: کدام جمله؟ جواب داد: همین جمله‌ای که روی کارت‌ها نوشته‌اید....

من فکر کردم منظور این خانم از جواب این است که توضیحی در این مورد داده شود و به همین دلیل هم شروع کردم به بحث جُرج جرداق و مقایسه‌ی افکار حضرت علی علیه السلام با منشور سازمان ملل و مطالبی که جُرج جرداق می‌گوید و آخر الامر هم رسیدیم به این جمله که جُرج جرداق خطاب به دنیا می‌گوید به جای این همه متفکر، فیلسوف، سیاست‌مدار، نظامی و نیز فیزیک‌دان و حقوق‌دان اگر همه‌ی نیروهای خودت را که پراکنده کردی به صورت انیشتین و گالیله و بوعلی سینا و فلان و فلان و فلان، اگر این نیروها را جمع می‌کردی و به صورت یک علی علیه السلام به ما تحویل می‌دادی وضع ما روبه‌راه می‌شد...

دختر خانم گفت: آقای... این که جواب نشد... من جوابی بر این جمله‌ی جُرج جرداق نوشته‌ام اگر اجازه بدهید حاضریم آن را در این جا

بخوانم. با بی‌اعتنایی گفتم بخوان. دختر شروع کرد به خواندن. ابتدا با بی‌توجهی گوش می‌دادم ولی دو سه خط که خواند دیدم مثل این که می‌خواهد حرف حسابی بگوید. در خط چهارم و پنجم متوجه شدم که این خانم دچار تحوّل روحی شده است و ضمن خواندن مقاله‌اش گریه می‌کند. در خط هفتم و هشتم، نظرم را جلب کرد و دیدم مثل اینکه بقیه را هم به گریه انداخته است و از شما چه پنهان که در خط دهم و دوازدهم مرا هم به گریه واداشت. مجموعاً مقاله‌ای بود در حدود بیست خط و پر محتوا که مضمونش چنین است:

جُرج جرداق جمله‌ای درباره علی بن ابی طالب علیه السلام می‌گوید - و جمله‌ای را که قبلاً بیان کردیم نقل کرده بود - اَمّا من به او می‌گویم: ای جُرج جرداق، تو دروغ می‌گویی! تو خواهان علی علیه السلام نیستی! تو دروغ می‌گویی!... مگر خدای علی علیه السلام به تو علی علیه السلام را نداد که بیست و پنج سال خانه نشینش کردی و دنبال دیگران رفتی و در جنگ صفین تنه‌اش گذاشتی؟ جُرج جرداق تو خواهان علی علیه السلام نیستی!... مگر خدای علی علیه السلام بعد از علی علیه السلام، علی علیه السلام دومی، به تو نداد که با زهر جفا مسمومش ساختی و تسلیم معاویه‌اش کردی؟!!

جُرج جرداق تو خواهان علی علیه السلام نیستی!... مگر خدای علی علیه السلام بعد از علی علیه السلام دوم علیه السلام، به تو علی علیه السلام سومی نداد که در وسط میدان کربلا فریاد می‌زد: هَلْ مِنْ مَوْحِدٍ يَخَافُ اللَّهَ فِينَا؟! هَلْ مِنْ مُغِيثٍ يَرْجُو اللَّهَ فِي إِغَاثَتِنَا و تو، سرش را بالای نیزه کردی و به دنبال یزید رفتی؟! ای جُرج جرداق تو خواهان علی علیه السلام نیستی!... مگر خدای علی علیه السلام بعد از علی علیه السلام سوم علیه السلام، علی علیه السلام چهارمی به تو نداد و تو در گوشه‌ی مسجد الحرام تنه‌اش گذاشتی و دنبال دیگران رفتی؟! او در مقاله‌اش این‌ها را نقل کرده و به این جا رسیده

بود که ای جُرج جرداق! اینک علی علیه السلام در بین ماست و در روی زمین است با همان کمالات علی علیه السلام با همان حلم حسن علیه السلام و با همان شجاعت حسین علیه السلام، ولی تو دنبال علی علیه السلام نرفتی و به دنبال دیگران رفته‌ای! و او هزار و یک صد سال است که فریاد می‌زند: «هل من ناصر ینصرنی؟» و تو دنبالش نرفتی...<sup>(۱)</sup>

«... و باید گفت ای جُرج جرداق! اگر حسرت دیدار علی علیه السلام و زانوزدن در مکتب او را بر دل داری بدان این سقیفه بود که علی علیه السلام را خانه‌نشین کرد. این سقیفه بود که علی علیه السلام را از حقش و بشریت را از علی علیه السلام محروم گردانید. هنوز سقیفه پابرجاست. هنوز حق علی علیه السلام و فدک زهرا علیها السلام در اشغال حرامیان و غاصبان است. هنوز نعره‌های مستانه‌ی قُنُذ، مغیره و خالد بن ولید لعنة الله علیهم آتش در دست و تازیانه بر کف، نزدیک خانه‌ی شیر خدا به گوش می‌رسد.

هنوز دستان علی علیه السلام بسته است و صاحب ذوالفقار مأمور به صبر، سکوت و انتظار است. هنوز از گوشه‌ی بیت الاحزان گریه‌ی سوزناک همسر علی علیه السلام از ورای چهارده قرن، مظلومیت علی علیه السلام را فریاد می‌کند. هنوز در مصیبت سرور زنان عالم، رَمَق به زانوان علی علیه السلام بازنگشته است. هنوز پیشوای مؤمنان تنهای تنها در کنج عزلت نشسته است و نوادگان هند جگرخوار بر منبر پیامبر صلی الله علیه و آله بالا و پایین می‌روند. هنوز علی علیه السلام در کوفه غریب است و مظلومانه راز دل خویش را با چاه می‌گوید و اشک غریبانه‌اش را به نخل‌ها نثار می‌کند. هنوز امیر عالم هستی، خار در چشم و استخوان در گلو دارد. هنوز حجاج‌ها خون شیعیان علی علیه السلام را به جرم

۱- گفتارهایی پیرامون امام زمان علیه السلام، دکتر سید حسن افتخارزاده: ص ۱۵۳-۱۵۵.



«علی دوستی» مُباح می‌شمارند. هنوز در جای جای جهان اسلام، مسلمانان به جلد و خطّ و نقش و نگار قرآن دل خوش کرده‌اند و قرآن ناطق را به تحریک عمر و عاص‌ها در مظلومیّت و غیبت به فراموشی سپرده‌اند. صف‌آرایی مارقین، قاسطین و ناکثین در برابر علی علیه السلام هنوز که هنوز است ادامه دارد.

آقای جُرج جُرداق! تو اگر علی علیه السلام را می‌خواهی باید ابتدا تکلیف خویش را با جبهه‌ی مخالف علی علیه السلام روشن کنی که تنها، خواستن علی علیه السلام کفایت نمی‌کند. اوّل باید دیگران را نخواهی، علی ستیزان را نفی کنی، محبّت هر کس و هر چیز جز علی علیه السلام را از دل بیرون کنی، آن‌گاه علی علیه السلام را بخواهی. باید در «علی دوستی» موخّد شوی. فقط و فقط علی را بخواهی و بس.

آئینه شو جمال پری طلعتان طلب

جاروب زن خانه وُ پس میهمان طلب<sup>(۱)</sup>

## ۱۵ - جوان عاشق

یک ماه رمضان در مشهد مقدّس تصمیم گرفتم درباره‌ی امام زمان علیه السلام سخن بگویم... جوانی پای منبر من می‌آمد؛ ولی شب‌های اوّل، آن دورها نشسته بود و شب‌های دیگر نزدیک و نزدیک‌تر می‌شد تا آن‌که از شب‌های پنجم و ششم پای منبر می‌نشست و از همه‌ی مستمعین زودتر می‌آمد و برای خود جایی می‌گرفت. وقتی من منبر می‌رفتم او محور

سخنان ما می‌شد. من از حضرت ولی عصر علیه السلام حرف می‌زدم که البته شب‌های اوّل مقداری علمی بود ولی کم‌کم مطالب از علمی به ذوقی و از مقال به حال افتاد. وقتی من یکی دو کلمه با حال، حرف زدم دیدم این جوان منقلب شد. آن چنان انقلابی داشت که نسبت به تمام جمعیت ممتاز بود. یک حال عجیبی که با فریاد «یا صاحب الزمان» می‌گفت و اشک می‌ریخت و گاهی به خود می‌پیچید و معلوم بود که او در جذبه‌ی مختصری افتاده است... تا آن شب‌های آخر که من راجع به وظایف شیعه و محبت به حضرت ولی عصر علیه السلام حرف می‌زدم و می‌گفتم که باید او را دوست بداریم و در زمان غیبت چنین کنیم آن جوان به خود می‌پیچید... می‌سوخت و اشک می‌ریخت، به حال ضعف می‌افتاد و مرا سخت منقلب می‌کرد...

بالاخره ماه مبارک رمضان گذشت و منبرهای من تمام شد؛ اما من تصمیم گرفتم آن جوان را پیدا کنم... معلوم شد او نیم باب دکان عطاری در فلان محله‌ی مشهد دارد. حرکت کردم و در همان مغازه به سراغ آن جوان رفتم. دیدم دکان بسته است. از همسایه‌ها سراغش را گرفتم... گفتند: بعد از ماه مبارک رمضان دو سه روز مغازه را باز کرد؛ ولی حالش طور دیگری شده بود. حدود یک هفته است که مغازه را تعطیل کرده و ما نمی‌دانیم کجاست. (پس از سی روز پیدایش کردم) لاغر شده، رنگش زرد و زار شده و گونه‌هایش فرو رفته، فقط پوست و استخوانی از او باقی مانده بود. وقتی به من رسید اشکش جاری شد و گفت: «خدا پدرت را بیا مرزد. خدا به تو طول عمر بدهد»... بالاخره گفت: «شما در آن شب‌های ماه رمضان، دل ما را آتش زدید. دل من از جا کنده شد. عشق به امام

زمان ﷺ پیدا کردم. همان طور بود که شما می‌گفتید. دل من در گذشته به کلی متوجه آن حضرت نبود. کم‌کم دلم تکان خورد و رفته رفته علاقه پیدا کردم که او را ببینم ولی در فراقش التهاب و اشتعال قلبی در سینه‌ام پیدا شد به طوری که در شب‌های آخر وقتی یا صاحب الزمان ﷺ می‌گفتم بدنم می‌لرزید. دلم نمی‌خواست چیزی بخورم. فقط می‌خواستم بگویم یا صاحب الزمان و بروم دنبالش تا او را پیدا کنم.

وقتی بالاخره ماه رمضان تمام شد رفتم مغازه را باز کنم دیدم که دل به کسب و کار ندارم. دلم به یک نقطه متوجه است و از غیر او منحرف است. دلم می‌خواهد دلدار را ببینم. با کسب و کار، کاری ندارم. دلم می‌خواهد محبوب را ببینم. به زندگی علاقه ندارم. به خوراک و پوشاک علاقه ندارم. دلم دیگر نمی‌خواهد با مشتری حرف بزنم و در مغازه بنشینم... از دکان دست برداشتم و آن را بستم و رفتم به دامن کوه‌سنگی... (آن زمان بیابان بود) روزها در آفتاب و شب‌ها در مهتاب هی داد می‌زدم محبوبم کجایی؟ عزیز دلم کجایی؟ آقای مهربانم کجایی؟... آن‌جا گریه کردم و سوختم و زار زدم. خدا پدرت را بیامرزد. و عاقبت محبوبم را دیدم، و سر به پاهایش نهادم...» وقتی گریه‌هایش تمام شد دیدم صورت مرا بوسید و گفت: «خدا حافظ من یک هفته دیگر بیش‌تر زنده نیستم!» گفتم: چرا؟ گفت: «به مطلبم رسیدم، به مقصودم نائل شدم. صورتم به پاهای یار و دلدار نهاده شد. می‌ترسیدم که بیش‌تر در دنیا بمانم و این قلب روشن من باز تاریک شود. این روح پاک دوباره آلوده شود لذا، در خواست مرگ کردم و آقا پذیرفتند. خدا حافظ ما رفتیم و تو را به خدا سپردیم.» آن جوان مرا دعا کرد و خود پس از شش یا هفت روز دیگر از دنیا رفت. حالا جوان

ها! شما ناامید نباشید او با شما فرق نداشت. او با امام زمان علیه السلام قوم و خویشی نداشت که شما بیگانه باشید. دل پاک می‌خواهند...<sup>(۱)</sup>

## ۱۶ - عنایت حضرت مهدی علیه السلام به عاشقان و زوّار

یکی از خدمتگذاران مسجد جمکران می‌گوید: در یکی از روزهایی که قصد تشرّف به مسجد جمکران را داشتم تنها بودم و مسافر دیگری نیز در مسیر نبود؛ از این رو ماشین‌های کرایه و تاکسی مرا سوار نمی‌کردند تا این‌که بالأخره اتومبیلی جلوی پای من ترمز کرد. پس از سوار شدن و سلام و احوال‌پرسی از راننده سؤال کردم: چرا با وجود این‌که مسافران تکمیل نیست مرا سوار کردی؟ گفتم: حاج آقا تا نام جمکران را می‌شنوم زانوهایم سست می‌شود و قدرت نه گفتن را ندارم از آقا خجالت می‌کشم مسافران را به مسجد نرسانم. من که از حالت او تعجب کرده بودم، پرسیدم مگر چه شده است؟ نذری داری؟ با حضرت عهدی بسته‌ای؟ گفتم: چندی پیش، ساعت یک بعد از نیمه شب خانواده‌ای را در بست به جمکران آوردم. به خانه برگشتم. ساعت حدود «دو» نیمه شب بود که خسته و کوفته خوابیدم. در عالم خواب صدایم زدند و گفتند برخیز و به جمکران برو، کیف پول مسافرها زیر صندلی عقب ماشین افتاده است و الآن در اضطراب و ناراحتی هستند. از بستر برخاستم. زیر صندلی ماشین را جستجو کردم. کیف پول را پیدا کردم. خدای من! پانزده میلیون (چک پول) داخل آن بود. سراسیمه راهی جمکران شدم.

مقابل درب شماره‌ی پنج یعنی همان جایی که مسافره‌ایم را پیاده کرده بودم ایستادم و آن خانواده را ندیدم. داخل مسجد رفتم. آن‌ها را دیدم که غرق در غصّه و ناراحتی بودند. کیف را نشان دادم. از خوشحالی در پوست خویش نمی‌گنجیدند. برایم یقین شد که هر کس به عشق صاحب الزّمان علیه السلام به این مسجد بیاید مورد عنایت و لطف حضرت قرار می‌گیرد و از آن موقع هر کس برای رفتن به جمکران جلوی ماشین مرا بگیرد بدون هیچ چشم‌داشتی و فقط برای امام زمان علیه السلام او را سوار می‌کنم. <sup>(۱)</sup>

### ۱۷ - امام عصر علیه السلام مدار دهر

از فرزند آخوند خراسانی نقل شده است که در نجف مادرمان بیمار شد و همه‌ی اطبّا از معالجه‌ی او عاجز شدند. شنیدیم فردی به نجف آمده و از علوم غریبه (زَمَل و...) مطلع است. من و برادر بزرگ‌ترم به اتفاق نزد او رفتیم و نیت کردیم. پس از لحظاتی گفت آن‌چه در نیت شما است زنی بیمار است که خوب‌شدنی نیست و تا چند روز دیگر از دنیا خواهد رفت و همین طور هم بود. ما مادرمان را در نظر گرفته بودیم و او هم پس از چند روز درگذشت.

آن‌گاه برادرم دوباره نیت کرد و از آن مرد خواست که در این مورد نیز نظر خود را بگوید. آن مرد در فکر فرو رفت. رنگش تغییر کرد. مدّتی حرف نزد و سرش پایین بود. سرانجام گفت عجیب است. کسی که تو در نیت داری الآن در مشرق بود. ناگهان او را در مغرب دیدم. دوباره در

۱- این خاطره بدون واسطه از آقای سلطانی شنیده شده است.

مشرق مشاهده نمودم. او کسی است که می‌بینم گویا خورشید دور سرش می‌گردد و افلاک گرد او در دَوْرانند. برادرم وجود مقدس حضرت صاحب‌الزّمان علیه السلام را نیت کرده بود.

آری این خاندان مدار دهرند. آسیای وجود بر محور هستی آنها می‌چرخد. سیر افلاک و گردش کُرات به برکت آنها و بر قطب وجود آنها استوار است و امروزه حضرت اب‌الصالح المهدی علیه السلام مدار دهر است و چرخش چرخ هستی به طُفیل وجود اوست. (۱)

### ۱۸ - امام عصر علیه السلام مهربان‌تر از همه

از مصادیق غربت امام عصر ارواحنا فداه این است که آن وجود سراسر مهر و رحمت را، مرد خون و کشتار معرفی کرده‌اند؛ تا آن جایی که حتی برخی دوست‌داران حضرت نیز دائماً از شمشیر آن جناب و گردن‌هایی که با آن شمشیر زده خواهد شد، سخن بر زبان می‌رانند. گویا بناست آن حضرت تمام گنه‌کاران را از دم تیغ بگذرانند.

در یک برنامه رادیویی راجع به حضرت ولیّ عصر علیه السلام شنیدم که در یکی از مدارس تهران راجع به مسئله‌ی ظهور، نظرسنجی به عمل آمده است. هفتاد درصد از دانش‌آموزان اظهار داشته‌اند که دوست ندارند امام زمان علیه السلام بیاید! و در پاسخ به این سؤال که چرا تمایل به آمدن امام عصر علیه السلام ندارید، گفته‌اند: به خاطر این‌که اگر امام زمان علیه السلام بیاید گردن ما را



خواهد زد! این جاست که باید بر غربت امام عصر علیه السلام خون گریست و در این مصیبت گریبان چاک نمود. آیا غربتی بالاتر از این متصور است؟ امام مهربانی که نه تنها دوستان و محبان او، که دشمنانش به برکت ایشان زنده‌اند، نفس می‌کشند و روزی می‌خورند، امام مهربانی که به شیعیانش از پدر دلسوزتر، از مادر مهربان‌تر و از برادر صمیمی‌تر است، امام مهربانی که خدای متعال ایشان را «رحمة للعالمین» لقب داده است، امام مهربانی که قرار است با آمدنش اشکی از گوشه‌ی چشم یتیمی نچکد، کسی رنج گرسنگی نکشد، دردمندی از درد ننالد، گرفتاری در حبس نماند، بده‌کاری از پرداخت قرض خویش عاجز نباشد، انسانی گوشه‌ی خیابان نخوابد، سفره‌ای بدون نان نماند، ریشه‌ی ظلم و حرص و کینه را بخشکاند، امام مهربانی که بناست انتقام مظلومین و ستم دیدگان تاریخ را بستاند، امام مهربانی که قرار است غم‌ها را پایان، دردها را درمان و نابسامانی‌ها را سامان بخشد... «شمشیر به دست و خونریز» معرفی کردن ایشان جنایتی بزرگ و گناهی نابخشودنی است.

البتّه ما در صدد انکار قیام آن حضرت باشمشیر نیستیم، روایات متعدّد بر این امر تأکید کرده‌اند، امّا به یقین شمشیر ذوالفقار امام عصر علیه السلام و قوه‌ی قهریه‌ی آن جناب، مختصّ کسانی است که در طول تاریخ پای بر حلقوم عدالت فشرده‌اند، خون مظلومان و بی‌پناهان را به شیشه کرده‌اند، به روی اولیای الهی تیغ کفر و عناد کشیده‌اند و جز زبان زور، منطق دیگری نمی‌شناسند...<sup>(۱)</sup>

## ۱۹ - امام مهدی علیه السلام شما را دوست دارد

آن روز هم مثل روزهای دیگر خدا، با یاد او به سوی مدرسه حرکت کردم. سه‌شنبه در کلاس دوّم، درس حرفه‌وفن داشتم. بعد از مدّتی که طول کشید تا بچه‌ها وارد کلاس شوند، من نیز به دنبال ایشان وارد کلاس شدم. کلاس را بانام حضرت زهرا علیها السلام و دعای فرج آقایم امام زمان علیه السلام شروع کردم. زیرا زمانی که می‌خواهم درس را شروع کنم قبل از آن، صلوات مخصوصه‌ی مادر سادات و دعای فرج را به همراه بچه‌ها می‌خوانم و این کار باعث شده تا همه حفظ شوند.

نمی‌دانم چطور شد که پس از دعای فرج چند بیتی نیز از آقا امام زمان علیه السلام به ذهنم آمد و شروع کردم به خواندن. گوشه‌ی سمت راست کلاس در ردیف جلو، یکی از بچه‌ها به شدّت منقلب شده بود و گریه می‌کرد. بعد از آن که دقایقی گذشت به سمت من آمده و گفت: آقا اجازه؟! می‌دانید که چرا این قدر گریه می‌کردم؟ گفتم: نه! گفت: آیا می‌خواهید برایتان بگویم؟ گفتم: بگو. گفت: آقا شما که داشتید می‌خواندید یک دفعه دیدم یک آقای سبزپوش با صورتی پر از نور جلوی تخته ایستاده این طور فرمایش می‌کنند:

بگوید مهدی علیه السلام بگوید مهدی علیه السلام ... مهدی علیه السلام خوب است...

مهدی علیه السلام شما را دوست دارد.

بعد در حالی که بغض گلویش را فشرده بود و نمی‌توانست خوب صحبت کند، گفت: آقا اجازه! گمانم آقا امام زمان علیه السلام بودند. من او را در

آغوش گرفتم و گفتم همین طور است، خود ایشان بودند. (۱)

## ۲۰- برکات ظهور

آن‌چه از روایات صحیح بر می‌آید آن است که در زمان ظهور مولا، تمام بیماران شفا یافته و کورها بینا می‌گردند. باران به قدر کفایت می‌بارد. جایی در این کره خاکی نمی‌ماند مگر این‌که تمام آن از گل و گیاه سبز و خرم می‌شود گویی مخملی سبز تمام زمین را پوشانده است. تمام درختان میوه‌دار می‌شوند. بدن‌ها سالم و عمرها طولانی و چند صد ساله می‌شود. ایام و سال‌ها ده برابر می‌شود. کشاورزان از محصولات خویش چندین برابر برداشت می‌کنند. کینه از دل‌ها رخت بر می‌بندد و مردم با هم مهربان می‌شوند. نه تنها عقل انسان‌ها کامل می‌شود که درندگی از حیوانات نیز برداشته می‌شود تا آن‌جا که «گوسفند و گری»، «گاو و شیر» در کنار هم زندگی می‌کنند. ثروت‌ها آن‌چنان توزیع می‌شود و حرص و طمع آن‌گونه از بین می‌رود که فقیری برای صدقه دادن یافت نخواهد شد.

کودکان با مارها و عقرب‌ها بازی می‌کنند و از ناحیه‌ی آن‌ها گزندی نمی‌بینند. تمام بدی‌ها از بین می‌رود و مردم همه از روی اخلاص بندگی خدای متعال را نموده و هیچ چیز را با او شریک قرار نمی‌دهند.

تمام مرزها برداشته شده و همه‌ی کره زمین تحت یک حکومت و

۱- مؤلف این مطلب را مستقیماً از دبیر مربوطه که یکی از عاشقان حضرت و ذاکر اهل

بیت علیه السلام می‌باشد شنیده است.

قانون اداره می‌شود و هر کس در هر زمان که بخواهد می‌تواند به مشرق یا مغرب عالم سفر کند و کسی مانع او نخواهد شد و چرا چنین نباشد که خداوند تمام موجودات و کائنات را به خاطر این خانواده خلق فرموده است که در حدیث شریف کساء از قول خداوند تبارک و تعالی می‌خوانیم:

«... ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمان‌هایم! به راستی که من نیافریدم آسمان بنا شده و نه زمین گسترده و نه ماه تابان و نه مهر درخشان و نه فلک چرخان و نه دریای روان و نه کشتی در جریان را مگر به خاطر دوستی این پنج تن ...»<sup>(۱)</sup>

## ۲۱ - ستاره‌ی دنباله‌دار

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: برای خروج امام قائم عَلَيْهِ السَّلَام ده علامت خواهد بود. اولین آن‌ها ستاره‌ی دنباله‌داری می‌باشد که به مدار زمین نزدیک است و پشت سر آن هرج و مرج و کشتار خواهد بود. خبر ظهور ستاره‌ی دنباله‌داری که هر ۲۰۰۰ سال یک‌بار ظهور می‌کند در رسانه‌ها چنین درج گردید:

یک پدیده‌ی جالب در آسمان، توجه جهان‌گردان را به خود جلب کرده است. این پدیده، ظهور یک ستاره‌ی بسیار درخشان در آسمان می‌باشد که ۲۰۰۰ سال پیش هنگام ظهور حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام نیز در آسمان دیده شده بود. این ستاره در واقع ترکیب نور دو ستاره‌ی مشتری و

۱- کتاب آشتی با امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام، از مؤلف .

زهره است که به گفته‌ی ستاره‌شناسان هر ۲۰۰۰ سال یک‌بار در امتداد هم قرار می‌گیرند و یک ستاره‌ی پر نور و درخشان را تشکیل می‌دهند.<sup>(۱)</sup>

## ۲۲ - افسوس بر گذشته!

مرحوم شیخ حسن علی اصفهانی (معروف به نخودکی) از کودکی به عبادت و ریاضت اشتغال داشته و زحمات فراوان و طاقت فرسایی را برای رسیدن به اهداف بلند روحی متحمل شده بودند که فوق العاده مهم و پرزحمت بوده است. آن بزرگوار هر چه از اذکار و اوراد و ختومات و همچنین نمازها و آیات قرآن را که در مدت عمر خود از کودکی انجام داده بودند (در قالب کتابی) یادداشت کرده و به خاطر متضمن بودن آن نوشته بر اسرار و نکات مهم و ... به ... سپرده بودند. آنچه ایشان در آخر کتاب خود نوشته بودند این نکته بود که ای کاش این اذکار و ختومات و این اوراد و زحمات را در راه نزدیک شدن و تقرب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه‌ش انجام می‌دادم. ببینید یک شخصیت مهم که نام ایشان زبانزد خاص و عام بوده و هست چگونه در آخر عمر پس از آن همه تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیر و بی‌نظیر آرزو می‌کند که ای کاش هدف خود را از آن همه زحمت و آن همه رنج و مشقت تقرب به حضرت بقیة الله علیه السلام قرار داده بودم...<sup>(۲)</sup>

۱- نشانه‌های ظهور امام عصر علیه السلام در روایات معصومین علیهم السلام: ۱۰۸. (خبر به نقل از

روزنامه‌ی همشهری ۸ / ۱۲ / ۷۷) ۲- صحیفه مهدیه: ۶۱-۶۲.

### ۲۳ - ارزش خدمت به آستان مقدّس صاحب‌الزّمان علیه‌السلام

یکی از علما که عمر خود را در مسیر تبلیغ برای امام عصر علیه‌السلام سپری کرده است، می‌گوید:

من در طول عمر خود کارها و اشتغالات فراوان دینی داشته‌ام. بسیار درس خوانده‌ام و بسیار تدریس کرده‌ام. ریاضت‌های شرعی، عبادت‌ها، تهجدها و بیداری‌های فراوان شبانه داشته‌ام. منبرهای زیاد رفته‌ام. مناظرات گوناگون با ارباب ادیان داشته‌ام. آثار قلمی دینی نگاشته‌ام. مطالعات فراوان در کتب مختلف نموده‌ام و... اما به هیچ یک از آنها برای لحظه‌ی مرگم دل نبسته‌ام و اعتماد و آرامش قلبی لازم را ندارم، هر چند که همه و همه کارهای خالص و مؤثر دینی بوده است؛ اما آنچه که بدان دل بسته و مطمئن هستم، آن است که در طول عمرم امام عصر علیه‌السلام را دوست داشته‌ام و توفیق خدمت به آن حضرت را یافته‌ام. لذا یقین دارم که حضرت در هنگام مرگ با اشاره‌ای به ملک الموت مرا از این مهلکه سالم و سربلند می‌رهاند...<sup>(۱)</sup>

### ۲۴ - دعا برای فرج واجب است

حضرت جواد الائمه علیه‌السلام فرموده‌اند:

در زمان غیبت، انتظار ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام واجب است.<sup>(۲)</sup>  
و حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام نیز در عالم خواب یا مکاشفه به مرحوم میرزا محمد باقر فقیه ایمانی فرمودند:  
در منبرها به مردم بگوئید و به آنان دستور دهید توبه نموده و درباره‌ی تعجیل



ظهور حضرت حجت ارواحنا فداه دعا نمایند. دعا برای آمدن آن حضرت مانند نماز میت نیست که واجب کفایی باشد و با انجام دادن عده‌ای از دیگران ساقط شود بلکه مانند نمازهای پنج‌گانه است که بر هر فرد بالغ واجب است برای ظهور امام عصر علیه السلام دعا کند. (۱)

### ۲۵ - دعا فرج را نزدیک می‌کند

در مورد لزوم دعا برای تعجیل در فرج و نقش دعا در زودتر فرارسیدن ظهور، حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

وقتی عذاب و سختی بر بنی اسرائیل طولانی شد چهل روز به درگاه خداوند گریه و ناله کردند. خداوند متعال به موسی و هارون علیهم السلام وحی فرمود که آن‌ها را از دست فرعون نجات دهند و این در حالی بود که از چهار صد سال، صد و هفتاد سال باقی مانده بود و خداوند به واسطه‌ی دعای بنی اسرائیل از آن صد و هفتاد سال صرف نظر کرد.

آن‌گاه امام صادق علیه السلام فرمودند:

شما شیعیان نیز اگر چنین تضرع و زاری کنید (و فرج ما را بخواهید) خداوند فرج ما را می‌رساند ولی اگر دست روی دست بگذارید (و بی تفاوت بمانید) وقتی کار به نهایت رسید فرج فرا می‌رسد. (۲)

### ۲۶ - زمان ظهور «بدا» پذیر است

در زمان ادریس پیامبر علیه السلام، وقتی حضرت ادریس علیه السلام مورد حمله‌ی حکومت طغیان‌گر زمان خویش قرار گرفت از میان مردم غایب گردید. در

دوران غیبت او، پیروانش که در نهایت سختی و شدت قرار داشتند تصمیم گرفتند در برابر خدا توبه نمایند. این بازگشت و پشیمانی واقعی باعث شد که خداوند دوران غیبت او را کاهش بخشد. ادریس علیه السلام ظاهر شد و حاکم ستمگر در برابر او به ذلت افتاد. همچنین است اگر مردم در زمان غیبت به صورت دسته جمعی توبه نموده و قصد بریاری امام نمایند امید آن است که خداوند طومار غیبت را در هم بپیچد و آن بزرگوار را ظاهر کند. (۱)

مرحوم فقیه ایمانی در این باره می‌نویسد:

... و نیز از بسیاری از اخبار و فقرات ادعیه و زیارات استفاده می‌شود که امر ظهور آن حضرت، اصل وقوعش یک وعده‌ی تخلف‌ناپذیر الهی است ولی زمان وقوع آن از امور بدائیه است که قابل تعجیل و تأخیر است و نیز از بعضی اخبار به دست می‌آید که دعای مؤمنین هنگامی که با شرایط و آدابش انجام شود، تأثیر به‌سزایی در تعجیل فرج خواهد داشت (۲)

به عبارت دیگر، می‌توان با دعا فرج را جلو انداخت و تشویق ائمه علیهم السلام به دعا برای تسریع فرج، بیان‌گر آن است که حصول فرج و فرا رسیدن ظهور، دارای یک زمان صد در صد تعیین شده و غیر قابل تغییر نیست.

درست است که غیبت از اسرار الهی بوده و ظهور نیز قطعاً و یقیناً رخ

۱- مکیال المکارم، باب چهارم، بحث غیبت انبیا.

۲- شیوه‌های یاری قائم آل محمد صلی الله علیه و آله: ۵۷.

خواهد داد؛ اما ظهور ممکن است جلو بیفتد و یا به تعویق افتد یعنی وقت قطعی و تغییر ناپذیری برای ظهور وجود ندارد و اعتقاد به این حقیقت برای شیعیان که در اصول اعتقادی خویش معتقد به اصل «بدا» و تغییر یافتن مقدرات الهی هستند کاملاً ممکن و توجیه پذیر است. چنان که مرحوم علامه مجلسی رحمته الله علیه در شرح روایات مربوط به دعا، وقتی به روایت حضرت امام صادق علیه السلام می‌رسد که می‌فرماید:

... دعا کن و مگو که کار گذشته است و آنچه مقدر شده همان شود (و دعا اثری ندارد)...<sup>(۱)</sup>

می‌گوید:

... باید ایمان به بدا داشت و به این که خداوند سبحان هر روز در کاری است و هر چه خواهد محو کند و هر چه بخواهد ثبت کند و قضا و قدر مانع دعا نیستند؛ چون تغییر در لوح محو و اثبات ممکن است. گذشته از این که دعا نیز از اسباب قضا و قدر و امر به دعا نیز از همان‌هاست.<sup>(۲)</sup>

## ۲۷ - مهدی ما مظلوم است

حضرت سیدالشهدا علیه السلام در عالم مکاشفه به یکی از علمای قم فرمودند:

... مهدی علیه السلام در عصر خودش مظلوم است. تا می‌توانید درباره‌ی او سخن بگویید و قلم فرسایی کنید. آن چه درباره‌ی شخصیت این معصوم بگویید درباره‌ی

۱- اصول کافی، ج ۴، کتاب دعا، باب فضیلت دعا، ح ۳.

۲- اصول کافی، ج ۴، کتاب دعا، باب فضیلت دعا، پاورقی و شرح.

همه‌ی معصومین علیهم‌السلام گفته‌اید؛ چون حضرات معصومین علیهم‌السلام همه در عصمت، ولایت و امامت یکی هستند و چون عصر، عصر مهدی علیه‌السلام است سزاوار است درباره‌ی او مطلب گفته شود.

(امام حسین علیه‌السلام) در خاتمه فرمودند:

باز تأکید می‌کنم که درباره‌ی مهدی علیه‌السلام زیاد سخن بگویید و بنویسید. مهدی علیه‌السلام مظلوم است. بیش از آن‌چه نوشته و گفته شده، باید درباره‌اش نوشت و گفت. (۱)

## ۲۸ - مظلومیت امام عصر علیه‌السلام در کلام مادر بزرگوار خویش

مرحوم علامه میرجهانی می‌گوید: در عالم رؤیا مادر مظلومه‌ام حضرت فاطمه‌ی صدیقه علیها‌السلام را دیدم و ایشان سه بیت شعر به فارسی خواندند. وقتی بیدار شدم فقط یک بیت را به یاد داشتم و آن بیت اینگونه است:

دلی شکسته‌تر از من در آن زمانه نبود

در این زمانه دل فرزند من شکسته‌تر است (۲)

همچنین از عالم ربّانی مرحوم آقای حاج شیخ محمد جوادی نقل نمودند که ایشان در عالم کشف یا شهود خدمت حضرت بقیّة‌الله ارواحنا فداه مشرف شده و ایشان را بسیار غمگین می‌بیند؛ از حال آن بزرگوار سؤال می‌کند. حضرت می‌فرماید:

دلم خون است، دلم خون است. (۳)

۲- شیفتگان حضرت مهدی علیه‌السلام ۱: ۱۶۰.

۱- صحیفه مهدیه: ۵۹

۳- صحیفه مهدیه: ۵۲.

## ۲۹ - شمیم ظهور

کسی که در اثر تصادف با اتومبیل از ناحیه‌ی دو پا فلج شده و برای شفا، در مسجد مقدّس جمکران به امام زمان ارواحناده متوسّل شده بود می‌گفت:

... ناگاه دیدم مسجد (جمکران) نور عجیب و بوی خوشی دارد. به اطراف نگاه کردم. دیدم مولا امیرالمؤمنین علیه السلام، حضرت سید الشهداء علیه السلام، قمر بنی هاشم علیه السلام و امام زمان علیه السلام در مسجد حضور دارند. با دیدن آنها، دست و پای خود را گم کردم. نمی‌دانستم چه کنم که ناگاه آقا امام زمان ارواحناده به طرف من نگاه کردند و لطف ایشان شامل حال من شد. به من فرمودند:

«شما خوب شدید؛ بروید به دیگران بگویید برای ظهورم دعا کنند که ظهور - ان شاء الله - نزدیک است.»

این واقعه در محرم سال ۱۴۱۴ اتفاق افتاده است.<sup>(۱)</sup>

فرزند یکی از بزرگان پدر خویش را در عالم رؤیا دید و در همان حال، به همراه پدر خویش به محضر حضرت ولی عصر ارواحناده مشرف شد. وی در ضمن سؤال و جواب با امام علیه السلام از آن حضرت پرسید:

... یا بن رسول الله، آیا وقت ظهور موفور السّرور رسیده است تا دیدگان همه به جمال و حضور و ظهور شما روشن شود؟ فرمودند:

«از علائم ظهور، فقط علامات حتمی مانده است و شاید آنها نیز در

مدّتی کوتاه به وقوع پیوندند و بر شما باد به دعای فرج.»

### ۳۰- درد فراق

از وقتی که مسجد مدینه ساخته شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در موقع خطبه خواندن و سخن‌رانی مخصوصاً روزهای جمعه در مقابل انبوه جمعیت، بر تنه‌ی درخت خرمائی که در صحن مسجد باقی مانده بود تکیه می‌داد، تا این که جمعیت زیاد شد، پیشنهاد کردند که منبری برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بسازند تا مردم به آسانی ایشان را ببینند. آن حضرت اجازه فرمودند و منبری از چوب با دو پله و عرشه ساختند.

اولین جمعه‌ای که پیش آمد، رسول اکرم صلی الله علیه و آله جمعیت را شکافت و آن ستون را پشت سر نهاد و به طرف منبر رهسپار شد. همین که بر عرشه‌ی منبر قرار گرفت یک مرتبه صدای ناله‌ی ستون خشکیده (همان تنه‌ی درخت خرما) مانند زن بیچه مرده، بلند شد. در اثر ناله‌ی آن ستون، صدای جمعیت به گریه و ناله بلند گردید. پیامبر صلی الله علیه و آله از منبر به زیر آمده ستون را در بغل گرفت و دست بر آن کشید و فرمود آرام باش! و از او دل‌جویی کرد. سپس به طرف منبر برگشت و فرمود:

مردم! این چوب خشک نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله اظهار علاقه و اشتیاق می‌کند و از دوری وی محزون می‌گردد ولی برخی از مردم چه به من نزدیک شوند چه دور، باکشان نیست. اگر من او را در بغل نگرفته و دست بر آن نکشیده بودم تا روز قیامت از ناله خاموش نمی‌شد

... این درخت یک لحظه از پیامبر صلی الله علیه و آله دور شد این چنین ناله زد با



این‌که رسول خدا ﷺ را مشاهده می‌کرد؛ ولی ما سال‌هاست که امام زمانمان ﷺ را نمی‌بینیم و از او دور هستیم با این حال مشغول زندگی عادی خودمان هستیم. به فکر همه کس و همه چیز هستیم به جز امام زمانمان ﷺ. همه فکرها به ذهن مان خطور می‌کند جز فکر امام زمان ﷺ. (۱)

### ۳۱ - میثاق با مهدی ﷺ

نویسنده‌ی کتاب شرح سلام‌های زیارت آل یاسین در رابطه با این فراز دعا که می‌گوئیم

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ» می‌نویسد:

با صاحب زیارت شریفه‌ی آل یاسین هم در آن عالم موثیق شدیدی بسته‌اند و پیمان‌های بسیار محکم گرفته‌اند... تا آن‌جا که میثاق‌الله گشته است.

پسر نرجس خاتون ﷺ! عهد می‌کنی از همه انبیا و اولیا بیش‌تر خون دل بخوری؟ بیش‌تر شاهد تزییع حقوق باشی؟ بیش‌تر از همه، از دوست و دشمن نسبت به مقام مقدّست اسائهی ادب بشنوی؟ فرزند فاطمه ﷺ! با ما پیمان می‌بندی که از پس پرده‌ی غیبت ناظر تاراج حقوق و غصب همه‌ی شئون متعلق به خود باشی آن هم به نام تو و به عنوان حمایت از حقوق تو!؟

ای شبل حیدر کزّار! با جدّت امیرالمؤمنین ﷺ میثاق خانه نشینی

۱- کتاب گریزهای مداحی: ۱۹۱. به نقل از اثبات الوصیّه مسعودی: ۱۴۳.

بیست و پنج ساله بستیم، با تو پیمان پرده‌نشینی در پرده‌ی اراده‌ی مشیتِ قاهره‌ی خود منعقد می‌سازیم؛ پذیرا می‌شوی؟ باعمّ گرامی‌ات امام مجتبیٰ علیه السلام پیمان خون دل خوردن ده‌ساله بستیم، با تو میثاق خون دل خوردن در روزگار طولانی غیبت می‌بندیم؛ قبول می‌کنی؟ از جدّ امجدت موسیٰ بن جعفر علیه السلام خواستار پذیرش چهارده سال زندان شدیم پذیرفت. پیمان ما با تو زندانی شدن در چاه غیبت است از گاه ولادت تا هنگامه‌ی ظهور؛ پذیرایی؟...»<sup>(۱)</sup>

### ۳۲ - قائم آل محمد علیه السلام

حتماً شما نیز هر وقت لقب مقدّس «قائم» که از القاب شریف حضرت ولیّ عصر علیه السلام است را می‌شنوید، از جا بر خاسته و به نشانه‌ی ادب، احترام و تواضع دست بر سر می‌نهد و به آن بزرگوار سلام می‌کنید و به لطف خداوند این عرض ادب در میان ما به یک سنّت و سیره تبدیل گشته است. سرمنشأ این حرکت از آن جاست که امام هشتم علیه السلام را دیدند که در موقع ذکر نام «قائم» از جا برخاستند، دست بر سر نهاده و فرمودند:

«خدایا فرجش را تعجیل فرما و قیامش را آسان گردان». از امام صادق علیه السلام نیز پرسیدند: سبب برخاستن به هنگام ذکر لفظ «قائم» چیست؟ فرمودند:

زیرا او را غیبتی طولانی است و او از شدت مهربانی خود نسبت به دوستانش هر کس که به این لقب از او یاد کند، به دیده‌ی عنایت می‌نگرد؛ زیرا این لقب یاد آور حکومت او

۱- سلام بر پرچم افراشته: ۱۰۷، سید مجتبیٰ بحرینی.

و برانگیزاننده حسرت غربت اوست.<sup>(۱)</sup>

پس این برخاستن به احترام نگاه مهربانانه و کریمانه‌ی آن حجّت خداست.

### ۳۳ - پاداش منتظران واقعی

امام صادق علیه السلام در مجلسشان نشستند. پیرمردی وارد شد و شروع کرد به گریه کردن. حضرت فرمودند: «چرا گریه می‌کنی؟» عرضه داشت که می‌بینم روزگار با شما این چنین کرده است. هر روز منتظرم آن فرجی که وعده داده شده بیاید و شما از این گرفتاری و از این که شما را از جایگاه اصلی تان کنار زده‌اند، نجات یابید... حالا استخوان‌های من سست شده، قدم خمیده شده، موهایم سپید گشته و نتوانستم فرج شما را درک کنم، چرا گریه نکنم؟ حضرت صادق علیه السلام می‌فرمودند:

اگر با چنین روحیه و حالتی و در حالت انتظار فرج و در حالتی که به آن حقایق اعتماد داشته باشی و فرج را درک نکرده باشی از دنیا رفتی بدان که در جهان واپسین با ما و در درجه‌ی ما و همراه ما خواهی بود و اگر فرج را درک کردی که خوشا به حالت...

وقتی آن پیرمرد با خوشحالی مجلس را ترک می‌کرد حضرت صادق علیه السلام با این عبارات پیرمرد را بدرقه کردند:

اگر یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، خدا آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد که مهدی علیه السلام ظاهر شود. شیعیان ما در روزگار

غیبت آن حضرت به فتنه و حیرت زدگی‌هایی می‌افتند و خدا جمعی را که مخلصان درگاه او هستند بر این اعتقاد ثابت قدم نگه می‌دارد.<sup>(۱)</sup>

### ۳۴ - غم شیعه‌ها امام زمان علیه السلام را آزار می‌دهد

سید حلاوی یک قصیده‌ی شکوائیه‌ای ساخت که در آن به امام زمان ارواحناده شکایت‌ها داشت: یابن العسکری کجا هستید؟ شیعیان شما را آزار می‌کنند. فلان دسته از شیعیان گرفتار شده‌اند و دچار رنج، شکنجه، بلا و سختی هستند. در این اشعار بلاهایی که بر شیعیان مختلف رخ داده است به نظم کشیده شده است. این اشعار را این طرف و آن طرف در دو جلسه خوانده بود. یکی دو نفر از اوتاد نجف در عالم رؤیا به حضور مبارک حضرت بقیة الله علیه السلام شرفیاب شدند. حضرت به آن‌ها فرمودند:

«بروید به سید بگویید سید! این قدر دل مرا مسوزان. این قدر سینه‌ی مرا کباب نکن. این قدر ناراحتی شیعه را به گوشم مرسان. من از شنیدن آن متأثر می‌شوم... «لَيْسَ الْأَمْرُ بِبَدِيٍّ» سید! کار به دست من نیست، به دست خدا است. دعا کنید خدا فرج مرا برساند تا شیعیانم را از این شکنجه‌ها نجات دهم.<sup>(۲)</sup>

### ۳۵ - از سیاحت غرب

نویسنده‌ی «سیاحت غرب» که این کتاب را در خصوص سیر و سیاحت ارواح نیکوکاران و زشت‌کاران پس از مرگ، به شیوه‌ای جذاب و

۱- چشم انداز اصغر صادقی: ۴۴ - ۴۵. ۲- مجالس حضرت مهدی علیه السلام، ص ۱۰۹.

گیرا به رشته‌ی تحریر درآورده است در قسمتی از این کتاب با عنوان «در بیان دیداری از برهوت» می‌نویسد:

... قدم‌زنان به خیمه‌ای نزدیک شدیم که (صاحبش) مشغول اصلاح اسلحه‌ی خود بود و زمزمه داشت و می‌خواند:

منتظران را به لب آمد نفس      ای ز تو فریاد، به فریاد رس

و از خیمه‌ی دیگر زمزمه شنیدم:

ما همه موریم، سلیمان تو باش      ما همه جسمیم، بیا جان تو باش

تا رسیدیم به پشت دو خیمه که از رفتای نجف من بودند و زمزمه‌شان با شعار من بود. یکی می‌گفت:

الیس اللیل لانتظار طلوع بدر      و هل ینقضی لیلی، لطالعة الفجر

یعنی مگر شب ظلمانی غیبت برای انتظار طلوع ماه درخشانی نیست؟ آیا شب تاریک من با طلوع فجر صادق سپری خواهد شد؟ و گویا دیگری جواب می‌داد:

بلی صبحها فجر، عسی ان تنفسا      ببارقه غراء صاحبه العصر

یعنی بله سپیده‌ی فجر دمیده می‌شود و با درخشان شدن نور بقیة الله الاعظم ﷺ ظاهرتر خواهد شد.

و من از کلمه‌های گرم آنان مشعوف و بشاش می‌شدم و نگاه‌های افتخارآمیزی بر آقای ملائکه می‌نمودم؛ تا آن که رسیدیم در گردش خود به روی تلی (تپه‌ای) که صد قدمی دور از اردوگاه بود و از روی آن تلّ نظر کردیم. دیدیم در افق مشرقی، سراسر افق را ابر سیاه متراکمی فرا گرفته است و از آن ابر، برق و تیر شهاب‌ها به اشکال مختلف و حرکات پراکنده چنان ریزش دارد که گویا افق یک پارچه آتش شده است و غرّش‌های

سختی از آن ابر به گوش ما می‌رسید.

آقای ملائکه، که نظرش به آن مأموریت (واویلا) افتاد، گفت:

«لا حول ولا قوّة الا بالله»

گفتم: در آن جا چه خبر است؟ گفت: آن هوای برهوت است و آن ریزش تیر شهاب‌ها که به صورت نيزه، شمشیر، خنجر و عمود است بر دشمنان آل محمد ﷺ ریزش دارد و آن‌ها صورت لعن‌هایی است که مؤمنین بر آن‌ها می‌کنند... و آن آدم‌ها دیده می‌شدند که بی‌اختیار بلند می‌شوند و به زمین می‌خورند؛ مانند دانه‌های اسپند در تاوهی داغ که به یک جا قرار و آرام نداشتند و ناله و فریاد آن‌ها مانند صدای سگ به گوش ما می‌رسید... و چون آقای ملائکه فرمودند که این تیر شهاب‌هایی که بر دشمنان ریزش دارد اثر لعنت‌های مؤمنین است؛ به لشکر امر نمودیم که لعن‌نماید دشمنان اهل بیت ﷺ و خود مخلص، برای تذکار و تعلیم جلو افتاده و گفتم:

اللّٰهُمَّ العن اوّل ظالم حقّ محمّد و آل محمّد و آخر تابع له على ذلك، اللّٰهُمَّ العن العصاة التي جاهدت الحسين و شايعة و بايعة و تابعت على قتله اللّٰهُمَّ العنهم جميعاً

خدایا! لعنت فرما بر اوّل ظالمی که در حقّ محمّد ﷺ و آل محمّد ﷺ ستم روا داشت و آخرین کسی که از آن ستم پیشگان در ظلم و ستم پیروی کرد. پروردگارا! لعنت فرست بر جماعتی که با حضرت امام حسین ﷺ به جنگ و مبارزه برخاستند و لعنت نما بر آنان که در کشتن آن حضرت همکاری کرده و هم عهد و پیمان شدند و پیروی نمودند. خداوندا! همه‌ی آنان را به لعن خود گرفتار فرما.

و نیز خواندم:

اللَّهُمَّ خَصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَابْدَأْ بِهِ أَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِي وَالثَّالِثَ وَالرَّابِعَ  
اللَّهُمَّ الْعَن يَزِيدَ خَامِساً وَ الْعَن عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَ ابْنَ مَرْجَانَةَ وَ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ  
شُمراً وَ آلَ أَبِي سَفِيَانَ وَ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

خدایا! تو لعن مرا مخصوص اولین ظالم نصیب فرما و ابتدا اولی را گرفتار لعنت فرما و آن گاه دوومی و سوومی و چهارمی را لعنت کن و یزید را که پنجمین آنها است نیز لعنت فرما و لعنت بفرست بر عبیدالله بن زیاد و پسر مرجانه و عمر سعد و شمر و آل ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان تا روز قیامت. و تمام لشگر در صف ایستاده، به این دو گونه مشغول لعن شدند و صداها را به لعن بلند می نمودند و دیده می شد در ساحت برهوت که به آن تیر شهاب‌ها، میلیون میلیون افزوده شد، و دود و غبار، فضا و عرصه‌ی آن جا را تیره و تار نمود... و بدن‌های آنان کباب می شد و همچون پنجره سوراخ سوراخ می گشت... در خیمه‌ی من جمع شدیم و بنای مشورت نهادیم که چه کنیم که انتقام کلی حاصل شود و دل‌ها از جوش و خروش و دل‌ها از جوش و خروش ساکن و آرام گیرد؟... من گفتم: سبب و باعث جوش و جگرخونی ما، جوش و خروش و اندوهگینی امام زمان علیه السلام است. تا دل او خنک و خالی نگردد، محال است که از ما خنک شود. چون دل شیعه، پابند دل اوست. باید فکری نمود و این به غیر از دعا و التماس از خدا که اذن خروج به او بدهد چاره‌ای ندارد. ما با جدّیت تمام، از چاره‌ساز بیچارگان بخواهیم که درد ما را چاره کند و همه این رأی را پسندیدند؛ به جز ملائکه‌ها که سکوت نمودند که در این هنگام جمعی از لشگر آمدند که: دل‌های ما خنک نمی شود بدون



استعمال سیف و سنان (شمشیر و نیزه) گفتم بروید همه را اعلام کنید که در صف شوند رو به طرف «بیت المعمور» که باید از خدا بخواهیم تعجیل ظهور را که دردهای ما به ظهور دوا شود. و رأی اهل حلّ و عقد بر این قرار گرفته است و دعای فرج در آخر الزمان از افضل دعاهاست. خودمان هم برخاستیم، رفتیم به جلوی صفوف ایستاده و دست‌های گدایی را بلند نموده و خواندیم:

الهی عظم البلاء و برح الخفاء و انکشف الغطاء و ضاقت الارض و منعت السماء...

صفوف را به حال دعا ترک نمودیم. چند نفری به تلفن خانه که در لوح آن جا بود رفتیم تا ببینیم و بشنویم صورگفتگوی ملاء اعلیٰ را و بدانیم که پیغمبر ﷺ و (حضرت) علیؑ و اولادش در چه حالند.

دیدیم که پیغمبر ﷺ و (حضرت) علیؑ و اهل بیتشان نیز در صف شدند و دست‌ها به دعای فرج بلند است و در عقب سر آنها صفوف انبیا و مرسلین و کروبین و ملائکه‌ی مقربین همه به دعا ایستاده‌اند که حدّ و حصر ندارد... چون نظر نمودیم دیدیم حضرت حجّتؑ نیز با خواصّ اصحابش در سرکوهی دست به دعا بلند نموده‌اند و در شهرها و بلاد اسلام در مساجد و غیرها مجامع مؤمنین، کم یا زیاد منعقد شده مشغول دعا و ختم «امّن یجیب» هستند. در صحراها جوخه جوخه از حیوانات درّنده و چرنده و پرنده اجتماعاتی دارند و هر یک به زبان خود از طول انتظار و فرج ناله می‌کنند...<sup>(۱)</sup>

### ۳۶- هر عصری امام واجب‌الاطاعة و زنده دارد

شاعر اهل بیت «سید جمیری» که شیعه بوده ولی در ابتدا از پیروان کیسانیه بود (یعنی بعد از حضرت امام حسین علیه السلام به امامت برادر آن حضرت، محمد حنفیه معتقد بود) با وجود همه‌ی اشعاری که در حق اهل بیت علیهم السلام داشت و مبارزه‌ی ادبی که با دشمنان آنان می‌نمود؛ خبردار شد که امام صادق علیه السلام او را کافر نامیده‌اند. نزد آن حضرت آمده عرض کرد: آیا من با همه‌ی محبتی که به شما داشته و با دشمنان شما مخالفت می‌نمایم کافر؟ امام فرمودند:

«وَمَا يَنْفَعُكَ ذَاكَ وَ أَنْتَ كَافِرٌ بِحُجَّةِ الدَّهْرِ وَ الزَّمَانِ.»

در حالی که تو به امام زمانت ایمان نداری، اعتقادات به ولایت ائمه‌ی قبل و محبت تو به ما و دشمنی با دشمنان، برای تو سودی نخواهد بخشید. <sup>(۱)</sup> البته وی پس از این برخورد امام صادق علیه السلام به امامت آن حضرت اعتراف نمود و از شیعیان مخلص آن حضرت گردید.

### ۳۷- امام زمان علیه السلام «سبیل‌الله» و صراط مستقیم خداوند

در یکی از زیارت‌های حضرت ولی عصر ارواحنا فداه خطاب به ایشان می‌گوئیم:

۱- بحارالانوار ۴۷: ۳۲۰، ح ۱۱، به نقل از کتاب آثار اعتقاد به امام زمان علیه السلام، دکتر هادی

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مِنْ سَلَكِ غَيْرِهِ هَلَكٌ سَلَامٌ بِرِتْوَايَ رَاهِ خَدَاوَنَدِ كِه هِر كَس رَاهِ غَيْرِ از تُو را بَرُودِ هَلَاكٌ وَ نَابُودِ مِي گَرُودِ.  
 آری در زیارت شریفه، امام عصر علیه السلام را سبیل الله خطاب می‌کنیم و از دیگر سو، قرآن کریم مکرراً مؤمنین را به «جهاد فی سبیل الله» با جان و مال دعوت می‌کند. بذل جان در راه آن حضرت ان شاء الله با ظهور آن بزرگوار و شهادت در رکاب ایشان برای دوست‌داران و آرزومندان محقق می‌گردد که در دعای عهد نیز آمده است

«...وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ». امّا هم‌اینک و در زمان غیبت، بذل مال امکان‌پذیر و ضروری است.

متأسفانه فرهنگ خرج کردن و هزینه نمودن برای حضرت بقیة الله ارواحنا فدا در میان شیعیان به خوبی تبیین و یا عملی نشده است. بی‌تردید همان‌گونه که باشوق و ذوق تمام، در ایام عاشورا و فاطمیة هزینه‌های سنگین می‌کنیم باید برای امام زمان علیه السلام نیز هزینه کنیم. به ویژه برای آشنا نمودن مردم با ابعاد مختلف زندگی و شخصیت آن بزرگوار و پاشیدن بذر محبت آن حضرت در جامعه باید تلاش مضاعف نمود. صدقه‌ی هر روزه هر چند با مبلغ بسیار ناچیز برای سلامتی وجود شریفش، تشکیل مجالس دعا، توسل و اطعام مؤمنین با نام آن بزرگوار، قربانی نمودن به نیت سلامتی آقا و رفع موانع فرج ایشان و دادن گوشت قربانی به عاشقان حضرت و فقرای شیعه، انفاق به ضعیفان و دستگیری از بیماران به نام آن حضرت و نیز چاپ، خرید و توزیع پوستر، تابلو، پرچم، کارت، برجسب و سایر اقلام تبلیغاتی برای نشر نام و یاد آن حضرت و از همه مهم‌تر، تهیه‌ی کتاب‌های آموزنده و اهدای آن به

دیگران به منظور تقویت معرفت، محبت و مودت آنها به ساحت مقدّس حضرت ولیّ عصر علیه السلام از مصادیق جهاد مالی در راه امام عصر علیه السلام محسوب می‌گردد.

در قرآن کریم آمده است که وقتی ابلیس به واسطه‌ی تکبر و سرپیچی از فرمان حق تعالی از درگاه الهی رانده شد این چنین از خداوند مهلت خواست:

«...من نیز بندگان را از صراط مستقیم که شرع و آئین توست گمراه گردانم. آن‌گاه از پیش روی و از پشت سر و از طرف راست و چپ آنان در می‌آیم تا بیش‌تر آنان شکر نعمت به جای نیاورند.»<sup>(۱)</sup>

از آن‌جا که قرآن و عترت در کنار یک‌دیگرند و پیوندشان ناگسستنی است، به این فراز از خطبه‌ی غدیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز توجه کنید:

«...ای مردم! من صراط مستقیم خداوند هستم که شما را به پیروی آن امر نموده و پس از من علی علیه السلام [همین مردی که اینک در مقابل شما، دست او را بلند می‌کنم] صراط مستقیم خداست و سپس فرزندانم، از نسل او که امامان هدایتند، به حق هدایت می‌کنند و به یاری حق به عدالت رفتار می‌کنند. (آن‌گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله سوره‌ی حمد را قرائت فرمودند و ادامه دادند) این سوره درباره‌ی من نازل شده است و به خدا قسم درباره‌ی امامان نازل شده است. به طور عموم شامل آنان است و به طور خاص درباره‌ی آنان است. ایشان دوستان خداوندند که ترسی بر آنان نیست و محزون نمی‌شوند. بدانید که حزب خداوند غالب است. بدانید

که دشمنان ایشان سفهائِ گمراه و برادران شیطانند که اباطیل را از روی غرور به یک‌دیگر می‌رسانند...»<sup>(۱)</sup>

آری شیطان سوگند خورده است که بر سر صراط مستقیم نشسته و همگان را به انحراف و ضلالت بکشد و چون در این زمان، حضرت ولی عصر علیه السلام همان صراط مستقیم خداوند است، طبیعی است که ابلیس و لشکریانش با تمام توان خویش، انسان‌ها را از این صراط مستقیم باز می‌دارند. اعوذ بالله من الشیطان الرجیم.

### ۳۸- آبادگر زمین

یا صاحب الزّمان... روزها و شب‌ها بدون تو چه سخت می‌گذرد. زندگی بدون حضور تو از زهر تلخ‌تر است. مگر می‌توان بدون تو آرام و قرار داشت؟... گیاهان به اذن تو می‌رویند. کوه‌ها به واسطه‌ی تو در جای خود با صلابت ایستاده‌اند. ستارگان و اجرام آسمانی با فرمان تو در اقیانوس کیهان شناور می‌باشند. دریاها، رودها، جویبارها و چشمه‌سارها به برکت وجود تو، باطراوتند و اگر بویی از غضب تو را استشمام نمایند به جنب و جوش و خروش درمی‌آیند و گاه با خشک شدن لب‌هایشان، نمایانگر ناخشنودی تو می‌باشند.

هر ذره‌ای از ذرات آفرینش به واسطه‌ی وجود تو به دور محور خود می‌گردد و هر حرکت و نظم‌ی نشان از اثر تو دارد و همه‌ی آنها از کوچک‌ترین ذرات تا بزرگ‌ترین اجرام کهکشان بر این حقیقت متکی هستند که بدون تو، نه وجود و نه حرکت و نه نظم‌ی برای آنها از طرف

خداوند متعال افاضه می‌گردد؛ اما چه می‌شود که در این میان بسیاری می‌خواهند بدون تو، به اسرار جهان آفرینش پی ببرند، در حالی که تو حجت خداوند در آن می‌باشی و بعضی امیدوارند تا بدون تو به زندگی روشن دست پیدا نمایند و بعضی می‌خواهند بدون تو سعادت و آرامش را برای جوامع بشری فراهم نمایند...

آری آن کسانی که می‌خواهند زمین را بدون حجت خداوندی آباد نمایند، بدانند که نه تنها راه به جایی نخواهند برد بلکه کوهی زمین را خراب تر هم می‌کنند که کردند. (۱)

### ۳۹ - اهمیت ولایت امام عصر علیه السلام

در قسمتی از زیارت حضرت صاحب الزمان علیه السلام خطاب به آن حضرت می‌گوییم:

«...أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتِكَ الْأَعْمَالِ تُقْبَلُ وَ تَزَكِّي الْأَفْعَالُ وَ تُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ وَ تُنْحَى السَّيِّئَاتُ فَمَنْ جَاءَ بِبَوْلَايَتِكَ وَ اعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قَبِلَتْ أَعْمَالُهُ وَ صُدِّقَتْ أَقْوَالُهُ وَ تَضَاعَفَتْ حَسَنَاتُهُ وَ مُحِيَتْ سَيِّئَاتُهُ وَ مَنْ عَدَلَ عَنِّ وَ لَايَتِكَ وَ جَهَلَ مَعْرِفَتَكَ وَ اسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ كَبَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ وَ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا وَ لَمْ يَقُمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ زُنًا...» (۲)

... (یا صاحب الزمان) گواهی می‌دهم، به درستی که با ولایت تو

۱- اسرار العارفين (در اذکار و اوراد ائمه علیهم السلام)، مقدمه، سید محمد رضا حسینی غیاثی.

۲- زیارت صاحب الزمان علیه السلام، مفاتیح الجنان.

اعمال پذیرفته و کارها پاکیزه شود، نیکی‌ها دو چندان و بدی‌ها محو و نابود گردد. هر که معتقد به ولایت تو و معترف به امامت تو باشد اعمال و کردار او پذیرفته است و گفتارش تصدیق گردد و حسناتش دو چندان شود و بدی‌هایش محو و نابود گردد و هر که عدول کند از ولایت تو و نادان باشد به مقام معرفت تو و دیگری را به جای تو پیشوا قرار دهد خداوند با صورت در آتش جهنم سرنگونش سازد و از او عملی را نمی‌پذیرد و برای او در میزان عملش در روز قیامت وزنی قرار نخواهد داد.

مضامین بسیار مهمّ فوق الذکر، در واقع عصاره و چکیده‌ی اعتقاد شیعه در مورد حضرت ولیّ عصر ارواحنفاذ می‌باشد به این معنا که هیچ عملی از هیچ کس، بدون معرفت و ولایت امام زمان علیه السلام مقبول نمی‌باشد و به عبارت دیگر ایمان و کفر، دائر مدار معرفت و ولایت آن حضرت بوده و دین‌داری چیزی جز معرفت و ولایت ایشان و التزام به این ولایت (یعنی عمل به دستورات و تسلیم محض در برابر امام بودن) نمی‌باشد. در یک کلام عصاره‌ی دین، معرفت و ولایت امام عصر علیه السلام است و دین‌داری فقط به معرفت و ولایت آن حضرت محقق می‌گردد.<sup>(۱)</sup>

۱- علاقه‌مندان می‌توانند برای تحقیق بیشتر در مورد این حیاتی‌ترین و اصلی‌ترین محور اعتقادی شیعه به منابع زیر مراجعه نمایند: ۱- اصول کافی، کتاب الحجّة ۲- کمال الدین صدوق ۳- البرهان فی تفسیر القرآن، ذیل آیات مربوط به ولایت و تفسیر نورالثقلین ۴- بحار الانوار (مجلدات ۳۰- ۲۵) ۵- غیبت نعمانی ۶- مکیال المکارم ۷- معرفت امام عصر علیه السلام، دکتر بنی هاشمی و...



### ۴۰ - در مکتب دعا

«...اللَّهُمَّ وَ لَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبِهِ وَ انْقِطَاعِ خَيْرُهُ عَنَّا وَ لَا تُسِنَا ذِكْرَهُ وَ انتِظَارَهُ وَ الْإِيمَانَ بِهِ وَ قُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ وَ الدُّعَاءَ لَهُ وَ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يَقْنَطُنَا طَوْلَ غَيْبِهِ...» (۱)

...ای پروردگار من،! به جهت طولانی شدن زمان غیبت امام علیه السلام و به خاطر آن‌که از وجود مقدّسش خبری در دست نداریم گوهر یقین به وجود مقدّس آن حضرت (که سرمایه‌ی ایمان و زنده بودن قلب ماست) را از ما سلب مفرما.

خدایا! ما را به فراموشی از آن وجود مقدّس و انتظار ظهور شریفش دچار مفرما.

پروردگارا،! یاد آن حضرت را از ما مگیر و انتظار قدوم مبارکش را از خاطرمان محو نفرما و باور به حضور حضرتش در میان مردم را از خاطرمان مبر و نیز آن یقین قوی که او ظهور خواهد فرمود و سبب آمادگی ما برای یاری حضرتش می‌شود را از ما مگیر.

خدایا! ما را به غفلت از یاد آن حضرت و غفلت از دعا برای وجود مقدّسش و صلوات فرستادن بر او مبتلایمان مفرما و چنان ما را با یاد آن عزیز مانوس فرما که سرمای کشنده‌ی ناامیدی هرگز نتواند به خانه‌ی دل ما راه یابد (و ظهور حضرتش را مربوط به زمان‌های آینده تصور کنیم)...

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُوا إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْتَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَ... (۱)

آن گاه که خورشید نبوت در بیست و هشتم صفر سال یازدهم هجری غروب کرد مؤمنانی همچون سلمان، اباذر، مقداد، و... خویشان را در این مصیبت عظمی، با نعمت حضور در محضر خورشید ولایت و رؤیت جمال «علی ولی الله» تسلی می دادند. حال که فقدان رسول الله ﷺ با غیبت و هجران ولی الله توأمان گردیده است، شیعیان آخرالزمان را چاره‌ای جز شکایت به درگاه الهی و توسل به اولیای مقربش و دعا برای تعجیل فرج باقی نمانده است.

بار خدایا به حق آل الله، سینه‌ی داغدار اهل بیت ﷺ را با صدور فرمان فرج منتقم آل محمد ﷺ شادمان فرما.

دیگر در جهان، کودکان محروم لباس کهنه نخواهند پوشید! دیگر در جهان، پدری شاهد گرسنگی فرزندانش نخواهد بود! دیگر در جهان، پیرزنان و پیرمردان فقیر، تنها و در گوشه‌ی خلوت خویش نخواهند گریست و خانه‌های سالمندان برای همیشه تعطیل خواهد شد! دیگر در جهان، هیچ انسانی دست نیاز به سوی هم‌نوع خویش دراز نخواهد کرد! دیگر در جهان، تصویری از شکم‌های برجسته‌ی کودکان گرسنه‌ی آفریقا و استخوان‌هایی که از پوست به بیرون برجسته شده است توسط خبرگزاری‌ها مخابره نخواهد شد! دیگر در جهان، زنان و کودکان مورد سوء استفاده و استثمار واقع نخواهند شد. دیگر در جهان، در هیچ

محکمه‌ای حقّ مظلومی پایمال نخواهد شد! دیگر در جهان، زندگی در کارتون‌های کنار خیابان به افسانه تبدیل خواهد شد! دیگر در جهان، مصرف قرص‌های ضدّ اضطراب و ضدّ افسردگی به فراموشی سپرده خواهد شد! دیگر در جهان، از جهل و نادانی، فقر و بی‌عدالتی، جنگ و تجاوز، جنایت و غارت، قتل و کشتار، اعتیاد، قرض، زندان، گرسنگی، آوارگی، حرص و بیماری خبری نخواهد بود! و از همه زیباتر آن که گلبانگ «علی ولیّ الله» بر تمام مأذنه‌های جهان طنین‌انداز خواهد شد! و همه‌ی مردم با شوق و رغبت، خداوند را عبادت خواهند کرد. پس بیائید همه با هم به منظور تحقّق این زیباترین آرزو، برای تعجیل در فرج منجی عالم بشریت دست به دعا برداریم.<sup>(۱)</sup>